

Analyzing the Reduction Conditions of Yazidi Women's Demanding (A Qualitative Study of Yazdi Demanding Women)

Negin Naeimi 

PhD student of sociology, Social Sciences Faculty, Yazd University, Yazd, Iran (negin.naimi1373@gmail.com)

SeyedAlireza Afshani 

(Corresponding Author)

Professor, Department of Sociology, Social Sciences Faculty, Yazd University, Yazd, Iran
(afshanialireza@yazd.ac.ir)

Ali Ruhai 

Associate Professor, Department of Sociology, Social Sciences Faculty, Yazd University, Yazd, Iran
(aliruhani@yazd.ac.ir)

Abbas Askari-Nodoushan 

Associate Professor, Department of Anthropology and Demography, Social Sciences Faculty, Yazd University, Yazd, Iran (aaskarin@yazd.ac.ir)

Abstract

Demanding is considered to be one of the most important skills of humanity in the modern era in order to realize rights, especially citizenship rights. But this issue often seems unfamiliar to the citizens, and in practice, demands, especially of the effective type, have been placed in parentheses. Therefore, the current research was conducted with the aim of knowing the weakening conditions of demand in Yazd city. In order to achieve this goal, qualitative approach and grounded theory method were used. The data were collected and at the same time analyzed using in-depth interviews with 13 Yazidi women. The process of data collection has continued until reaching theoretical saturation. 20 main categories were created during three stages of open, central and selective coding. The braids show the central phenomenon of "devaluation of demanding" in the sense of finding demand useless in the realization of demands. Based on the results, it can be said that a series of individual, structural conditions and factors based on direct and indirect negative experiences of demanding/answering has led to the devaluation of demanding. In the face of the central phenomenon, three main strategies of cautious-reflexive demanding, boycotting demanding and striving for demanding have been used by the activists. Finally, the consequences of such strategies have included various social, economic, and psychological fields and have fueled the failure in effective demanding and the reduction of demanding.

Keywords: Demanding, Responsiveness, Devaluation of demand, Citizenship rights, Yazd.

کاوش فرایندهای دفع کنش‌گری مطالبه‌گرایانه (یک مطالعه کیفی از زنان مطالبه‌گر یزدی)

نگین نعیمی^۱ سیدعلیرضا افشانی^{۲*} علی روحانی^۳ عباس عسکری ندوشن^۴

چکیده

مطالبه‌گری به عنوان یکی از مهم‌ترین کنش‌های بشر در عصر مدرن به منظور تحقق حقوق، به‌ویژه حقوق شهروندی، محسوب می‌شود. ولی این مهم اغلب برای شهروندان ناآشنا به نظر می‌رسد و در مقام عمل نیز مطالبه‌گری به‌ویژه از نوع اثربخش در پراتنز قرار گرفته است. بنابراین پژوهش حاضر با هدف شناخت شرایط دفع کنشگری مطالبه‌گرانه در شهر یزد انجام شده است. به منظور نیل به این هدف، از رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای استفاده شد. داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های عمیق از ۱۳ زن یزدی گردآوری و همزمان مورد تحلیل قرار گرفت. فرایند گردآوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشته است. طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی، ۲۰ مقوله اصلی بر ساخت شد. یافته‌ها، پدیده مرکزی «ارزش‌زدایی از مطالبه‌گری» را به معنای بی‌فایده دانستن مطالبه‌گری در تحقق مطالبات نشان دادند. براساس نتایج می‌توان گفت مجموعه‌ای از شرایط و عوامل فردی، ساختاری و مبتنی بر تجربیات منفی مستقیم و غیرمستقیم از مطالبه‌گری/پاسخگویی، منجر به ارزش‌زدایی از مطالبه‌گری شده است. در مواجهه با پدیده مرکزی، اغلب سه راهبرد اصلی شامل مطالبه‌گری محتاطانه-بازاندیشانه، تحریم مطالبه‌گری و تکاپو برای مطالبه‌گری، از سوی کنشگران استفاده شده است. درنهایت پیامدهای چنین راهبردهایی، عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و روانی را دربرگرفته و به بازتولید ناکامی در مطالبه‌گری اثربخش و کاهش مطالبه‌گری دامن زده است.

کلیدواژه‌ها: مطالبه‌گری، پاسخگویی، ارزش‌زدایی از مطالبه‌گری، حقوق شهروندی، یزد.

۱. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران/ negin.naimi1373@gmail.com

۲. استاد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول) / afshanalireza@yazd.ac.ir

۳. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران/ aliruhani@yazd.ac.ir

۴. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران/ aaskarin@yazd.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله

امروزه با رشد شهرنشینی، نفوذ رسانه‌های نوین و ظهور ارتباطات فرازمانی و فرامکانی، مفهوم حقوق شهروندی به‌عنوان یکی از مفاهیم اصلی زندگی در جامعه دموکراتیک و مطالبه‌گری به‌عنوان حقوق اصلی شهروندان، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. حقوق شهروندی مشتمل بر مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که فرد به‌عنوان تبعه و شهروند کشور، از آن برخوردار می‌شود و دربردارنده دو مفهوم اصلی حق و وظیفه می‌باشد (داودی و محمدی، ۱۳۹۷: ۹۷).

قانون اساسی به‌عنوان حقوق شهروندان و وظایف دولت و ملت در قبال یکدیگر، نه تنها شهروندان را به رعایت وظایف‌شان در قبال دولت موظف نموده است، بلکه دولت نیز براساس قانون اساسی به رعایت حقوق شهروندی موظف می‌شود که لازمه تحقق این امر، نبود استبداد و پابندی به قانون است. در ایران از زمان مشروطه، تلاش بسیاری برای برقراری حکومت به شرط قانون انجام شده است، ولی به دلایل مختلف به‌ویژه عدم توجه به قانون در بسیاری مسائل اعم از حقوق شهروندی، این شرط تاکنون برآورده نشده است (نواح و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۵-۲۱۰). زمانی که حقوق شهروندی رعایت نشود، شکاف بین شهروندان و نهادهای حاکمیتی شکل خواهد گرفت. محرومیت افراد از حقوق شهروندی، کیفیت زندگی آن‌ها را به شدت کاهش می‌دهد (محسنی، ۱۳۸۹: ۹۸-۱۳۵).

مطالبه‌گری و نظارت شهروندان دغدغه‌مند و آگاهی از روش‌های اثربخش مطالبه‌گری می‌تواند در توسعه و آبادانی و حل ریشه‌ای مشکلات و محرومیت‌های موجود، نقش قابل‌توجهی ایفا نماید. به‌ویژه این‌که مدیران، مسئولان و زمامداران حکومت نیز در مقابل چنین شهروندان پرسشگر و برخوردار از انگیزه و روحیه مطالبه‌گری، خود را در معرض نگاه انتقادی شهروندان، مسئول احساس کرده و در نتیجه خود را موظف به پاسخگویی اثربخش می‌دانند (فرج‌الله و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۶). اما ضعف شهروندی، مطالبه‌گری و مصداق‌های آن تاکنون جوامع را با چالش‌ها و بحران‌های مختلفی نظیر نابودی محیط زیست، فساد، اختلاس، رانت‌بازی، بزهکاری و سایر آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مواجه ساخته است (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۷-۳۸).

شهر یزد به‌عنوان شهر قنات و قنوت و قناعت و حسینیه ایران دارای بافت نسبتاً سنتی و مذهبی بوده است. با توجه به این‌که مردم یزد به رفتار اقتصادی همراه با قناعت شناخته شده‌اند و با توجه به شرایط نامساعد اقتصادی و از طرفی افزایش آگاهی از حقوق شهروندی، اخیراً اعتراضاتی از سوی مردم شهر یزد و سایر کلان‌شهرها شکل گرفته است که در مدت کوتاهی نیز خاموش شد. مطالبه‌گری حقوق شهروندی می‌تواند در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی و نظایر این‌ها و در سطوح مختلفی اعم از خرد، میانه و کلان به روش‌های مختلفی اعم از مسالمت‌آمیز، خشونت‌آمیز، به‌صورت قانونی یا غیرقانونی و غیره انجام شود. این‌که چه شرایطی در ابراز یا عدم ابراز مطالبات چه به‌صورت مسالمت‌آمیز و چه به‌صورت غیرمسالمت‌آمیز نقش دارد، ضرورت توجه به شرایط تضعیف‌کننده مطالبه‌گری حقوق شهروندی را یادآور می‌شود. در این پژوهش سعی شده است به مطالبه‌گری حقوق شهروندی در عرصه‌های نامبرده و در سطوح مختلف پرداخته شود. درواقع این‌که افراد چگونه و با چه روش‌هایی حقوق شهروندی‌شان را مطالبه‌گری کردند و چه نتیجه‌ای برای آن‌ها به‌دنبال داشته است، نیز مورد پرسش قرار می‌گیرد. این‌که چه روشی را برای مطالبه‌گری مناسب‌تر تشخیص می‌دهند و این‌که در مطالبه‌گری معترضان شرکت می‌کنند یا از حضور در تجمعات خودداری می‌کنند نیز ازجمله سؤالاتی است که در این پژوهش در طول مصاحبه پیگیری می‌شود.

کما این که عدم تحقق حقوق، با وجود مطالبه‌گری، در سطوح خُرد و کلان می‌تواند با ایجاد و تقویت ناامیدی، محرومیت و نظایر این‌ها، انگیزه برای مشارکت و رعایت تکالیف را تضعیف کند. با محرومیت از حقوق، افراد به تدریج با خود، دیگران و جامعه بیگانه و نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت می‌شوند، و دیگر برای تغییر شرایط، فعالیت و مشارکت نمی‌کنند. چنین فرایندی، به تولید و بازتولید فساد، بی‌عدالتی، فقر، محرومیت، انزوا، شکاف طبقاتی و نظایر این‌ها منجر می‌شود، که چنین آسیب‌هایی، جامعه را دچار بحران‌های غیرقابل جبرانی خواهد نمود. با توجه به این که مطالبه‌گری و مشارکت اجتماعی از لوازم ضروری توسعه و پیشرفت هر جامعه‌ای است، شناخت شرایطی که باعث تحدید مطالبه‌گری می‌شود، اهمیت دارد.

زنان از نیروهای مهم تغییر در جهان معاصر محسوب می‌شوند، به گونه‌ای که موفقیت یا شکست آن‌ها، بسیاری از ابعاد زندگی خود، خانواده و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حقوق شهروندی زنان مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی است که زنان به واسطه عضویت در جامعه و رابطه با دولت، از آن برخوردار می‌شوند (جهانگیر و کاوه پیشقدم، ۱۳۹۷: ۱۱۹). در طول تاریخ زنان تحت تأثیر سنت، محدودیت‌های خانوادگی، تبعیض‌ها، کلیشه‌های جنسیتی، تعصبات و عقاید مردسالارانه و حتی مذهب و غیره، موانع و مشکلات زیادی را در مسیر دستیابی به حقوق‌شان تجربه کرده‌اند. به عنوان مثال، در طول چهل سال اخیر، میزان اشتغال زنان بین ۱۴ تا ۱۸٪ در نوسان بوده است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۱). حتی توانمندی‌های آن‌ها اغلب به حوزه‌های آموزش و بهداشت محدود مانده است (جنیدی و سنگی، ۱۳۹۷: ۶۹). حتی فرهنگ پدرسالاری در جوامع غربی نیز مانع از تحقق مطالبات زنان می‌شود. زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه با آگاهی از حقوق شهروندی خود و استفاده از فرصت‌ها، امکانات و منابع موجود در جامعه، می‌توانند جهت رفع نابرابری‌ها، تبعیض‌ها نقش فعال‌تری داشته و در کنار مردان زمینه رشد و توسعه جامعه را فراهم سازند (جهانگیر و کاوه پیشقدم، ۱۳۹۷: ۱۲۰). همان‌طور که امروزه به واسطه تصویب منشور حقوق شهروندی برخی از این موانع کم‌رنگ شده و دستیابی به حقوق شهروندی‌شان مثل تحصیلات عالی، اشتغال، برابری حقوق و نظایر این‌ها تسهیل شده است. البته به دلایلی چون کلی‌گویی، عدم ضمانت اجرا و تضاد با برخی اصول قانون اساسی، حقوق شهروندی زنان مورد پذیرش همگانی واقع نشده است. به عنوان مثال، در منشور حقوق شهروندی آزادی انتخاب سکونتگاه به عنوان حق همه شهروندان تعریف و تصویب شده است، ولی در قانون اساسی زنان باید در جایی سکونت گزینند که همسرشان انتخاب می‌کند، و یا در منشور گفته شده زنان حق دارند آزادانه با هر کسی که می‌خواهند ازدواج کنند، ولی در قانون مدنی اجازه پدر برای ازدواج دختر ضروری است (محمدزاده، ۱۳۹۶: ۹۸-۱۰۲). زنان گاهی از طبیعی‌ترین حقوق‌شان محروم می‌شوند، که برخی از این محرومیت‌ها ناشی از کاستی‌های موجود در قوانین، عقاید مردسالارانه و یا بیگانگی زنان از خود و حقوق‌شان و غیره بوده است. زنان بدون اجازه پدر یا همسر نمی‌توانند مسافرت بروند، برای حضانت فرزندان در شرایط بحرانی، باید از حقوق مادی خود نظیر مهریه بگذرند، بدون اجازه پدر یا همسر قادر به ادامه تحصیل یا اشتغال نیستند، در سطح کلان‌تر از رفتن به استادیوم ورزشی محروم هستند و این محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های زنان در تحقق مطالبات‌شان مختص زنان شهر یزد نیست. ولی در شهر یزد با نظر به بافت سنتی-مذهبی حاکم، به نظر می‌رسد زنان نقش فعالی در مطالبه‌گری حقوق شهروندی‌شان ندارند و حتی فراتر از این گاهی از حقوق شهروندی خود نیز آگاهی ندارند. اما احتمال می‌رود نسل نوجوان و جوان برخلاف نسل بزرگسال از حقوق شهروندی آگاه‌تر شده و نقش فعال‌تری در مطالبه‌گری حقوق‌شان در عرصه‌های مختلف ایفا می‌کنند.

بنابراین، پژوهش حاضر با هدف شناخت شرایط و عواملی که در تضعیف مطالبه‌گری حقوق شهروندی نقش دارد، در بستر شهر یزد انجام شده است. کما این که با نظر به ضعف علمی و پژوهشی در این زمینه، اهمیت انجام این پژوهش خاطر نشان

می‌شود. بنابراین مسئله اصلی پژوهش حاضر شناخت شرایطی است که در دفع مطالبه‌گری حقوق شهروندی نقش دارد. در مسیر پیش‌رو تلاش شده است به سؤال اصلی پژوهش مبنی بر این که «چگونه مطالبه‌گری تضعیف می‌شود؟» پاسخ داده شود.

چارچوب مفهومی

با توجه به ماهیت پژوهش اکتشافی و به منظور بر ساخت حساسیت نظری و جمع‌آوری داده‌ها نظریات مرتبط با موضوع پژوهش مرور شده است. درواقع مرور نظریات به‌عنوان راهنمایی برای مفهوم‌سازی و بر ساخت حساسیت نظری است تا محقق با دقت بیشتری در میدان، داده‌ها را استخراج و سپس تحلیل نماید. در قسمت پیشینه نظری، طیف گسترده‌ای از نظریات مختلف شهروندی اعم از «شهروندی عقلانی» وبر، «شهروندی عرفی-مدنی» دورکیم، «شهروندی عرفی-گزلشافتی» تونس، «شهروندی اجتماعی مدرنیستی» پارسونز، «شهروندی انقلابی» مارکس، «شهروندی‌های مدنی، سیاسی و رفاه» مارشال و «شهروندی حوزه عمومی» هابرماس، مورد خوانش قرار گرفت. در تمام نظریات در تعریف جامعه‌شناسانه شهروندی بر حقوق و تکالیف شهروندی، برابری شهروندی، مشارکت شهروندی، هویت شهروندی و نقش و پایگاه شهروندی فارغ از تعلقات طبقاتی، اجتماعی مذهبی و قومی تاکید شده است. جامعه‌شناسان کلاسیک اعم از وبر، دورکیم و تونس پدیده شهروندی را ناظر بر هویت، عضویت و تعهد عقلانی، مدنی و عرفی برای اعضای جامعه توصیف می‌کنند که به مشارکت در تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی دموکراتیک و احساس تعلق اجتماعی بیشتر در افراد جامعه منجر شده و درنهایت به تقویت نظم و انسجام اجتماعی دامن می‌زند.

برایان اس ترنر طرح تکمیلی و تجربی برای مطالعه شهروندی ارائه نموده است که بر اساس آن پدیده شهروندی با چهار مولفه جامعه‌شناختی اعم از شکل اجتماعی شهروندی، قلمرو اجتماعی شهروندی، گونه اجتماعی شهروندی و محتوای اجتماعی شهروندی تحلیل و تبیین می‌شود. در شکل اجتماعی شهروندی به شکل‌گیری شهروندی از بالا به پایین یعنی از دولت به سمت جامعه و یا از پایین به بالا یعنی از جامعه و نهادهای مدنی به سمت دولت توجه می‌شود. قلمرو اجتماعی شهروندی حاکی از آن است که شهروندی بیشتر متمایل به شکل‌گیری حوزه خصوصی بوده است یا عمومی. گونه اجتماعی شهروندی به این معنی است که شهروندی بیشتر حالت منفعلانه دارد یا فعالانه، و درنهایت محتوای اجتماعی شهروندی حاکی از آن است که شهروندی در عمل بیشتر به ایفای وظایف و تعهدات شهروندی معطوف است یا امتیازات و حقوق شهروندی. علاوه بر این ترنر در طرح تجربی خود دو مولفه دیگر شامل نیروهای اجتماعی شهروندی و ترتیبات اجتماعی شهروندی را اضافه نموده است. در نیروهای اجتماعی شهروندی به این که کدام دسته از گروه‌ها و طبقات در شکل‌گیری شهروندی تأثیرگذار بوده‌اند، برخورد می‌کنیم و در ترتیبات اجتماعی شهروندی به اینکه چه بسترسازی‌ها و نهادسازی‌هایی برای تحقق و تقویت شهروندی انجام شده است، توجه می‌شود.

از سوی جامعه‌شناسان فمینیست و پست مدرن نیز با نظر به محرومیت‌های اجتماعی برخی گروه‌های اجتماعی از امتیازات و حقوق شهروندی و طرد اجتماعی زنان از دایره شهروندی، نظریه شهروندی پست مدرن و نظریه شهروندی فمینیستی، مطرح شده است. به‌عنوان نمونه می‌توان به «شهروندی تفکیک‌شده» ماریون یانگ، «شهروندی حاشیه‌ای یا درجه دوم» هیسلرو بروباکر و یا «شهروندی جنسیتی، شهروندی زنان، شهروندی منفعل و شهروندی بالقوه و بالفعل» پیتمان و لیستر اشاره نمود که حاکی از طرد اجتماعی، حاشیه‌نشینی اجتماعی زنان و برخی گروه‌های اجتماعی و اقلیت‌های فرهنگی، مذهبی، قومی است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۵-۳۸).

بعد از نظریات مرتبط با شهروندی، نظریات مرتبط با مطالبه‌گری مورد کنکاش قرار گرفته است که می‌توان به نظریات حسین تنهایی، ویزنز و ترنر اشاره داشت. تنهایی، مطالبه‌گری را به مثابه گفتمانی تاریخی مطرح می‌کند که بنیان معرفت‌شناسی دارد. وی شهروندان را کنشگرانی می‌داند که با تفسیر شرایط و انتخاب مطالبه‌گری، خواسته‌های خود را مطرح می‌کنند. ولی اگر کنشگران، شرایط و زمان را برای مطالبه‌گری مناسب تشخیص ندهد، مطالبه‌گری محقق نمی‌شود. به اعتقاد ویزنز نیز افراد باید مطالبه داشته باشند و خود را محق بدانند، دولت را مسئول پاسخگویی و تحقق مطالبات بدانند، عمل مطالبه‌گری خود را کارآمد تصور کنند و از راه‌های عبور از سیستم سیاسی و اقدامات کاربردی تسهیل‌کننده، آگاهی داشته باشند (تنهایی، ۱۳۹۷).

نظریات فمینیستی یکی از نظریاتی بوده است که به جنسیت و سرچشمه‌های سرکوب و نابرابری برای زنان توجه ویژه داشته است. این نظریات عمدتاً ساختار پدرسالار جامعه و نهادهای آن را یکی از سرچشمه‌های مهم نابرابری برای زنان می‌دانند (ترنر، ۱۳۹۴: ۸۴۴). فمینیسم یک مفهوم و عقیده واحد نیست، بلکه مجموعه‌ای از عقاید و کنش‌های متفاوت بوده است. اما اساس انواع فمینیسم به موقعیت فرودست زنان در جامعه و تبعیض و بی‌عدالتی‌ای برمی‌گردد که زنان به دلیل جنس خود با آن مواجه هستند. هدف نهایی همه آنها رها کردن زنان از این موقعیت فرودست و از میان بردن تبعیض جنسیتی است که با تغییراتی که در نظم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حاصل می‌شود؛ می‌توان به اهداف فمینیسم دست یافت. از میان انواع مختلف فمینیسم، فمینیسم لیبرالی بیش از سایرین بر سنت حقوق طبیعی، حق شهروندی برابر، اصل مالکیت خصوصی، اصالت فردیت، و آزادی عمل تأکید داشته است. فمینیسم لیبرالیستی بر موضوع شهروندی زنان و استحقاق آن‌ها برای حقوق اساسی برابر با مردان تأکید داشت، که مطالبات عمیق و اساسی را از راه رفرمیستی و حقوقی که بدون تغییرات اساسی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ممکن نبود، پیگیری می‌کرد (معافی و احمدی‌افزادی، ۱۳۹۹: ۴۲۲-۴۲۳). نظریه فمینیسم لیبرالی با توجه به تأکید بر حقوق شهروندی برابر، آزادی، برابری و نظایر این‌ها نقش هدایت‌کننده مسیر پژوهش را داشته است. از سوی دیگر این نظریه بیشتر از راهبردهای قانونی و نرم برای حقوق برابر و تغییرات در نظم سیاسی، اجتماعی و غیره دفاع کرده است، اما در صورت لزوم، از راهبردهای انقلابی نیز برای دستیابی به حقوق برابر بهره برده است که آن را به نظریه فمینیستی رادیکالی نزدیک می‌کند.

نظریه اکسل هونت^۱ یکی از نظریاتی است که در مطالعه ماهیت جنبش زنان در کشورهای خاورمیانه و بویژه جنبش‌های به رسمیت‌شناسی هویت زنان در کشورهای اسلامی و تأثیر ساختار سیاسی در شکل‌گیری این اندیشه‌ها، مفید به نظر می‌رسد. هونت متأثر از مکتب فرانکفورت و دیدگاه فوکو و هابرماس و از سوی دیگر منتقد بحران شأن و منزلت گروه‌های به حاشیه رانده شده در جامعه کنونی است. در حالی که جودیت باتلر متأثر از فوکو بر سلطه قدرت و سوژه منفعل تأکید دارد، هونت به تولید اندیشه توسط عاملیت مداخله‌گر و کنشگر فعال در عرصه زیست‌جهان باور دارد که هر زمان قادر است گفتمان دیگری بسازد و به هیئت حاکم تحمیل کند (حاضری و محمدی، ۱۳۹۱: ۴-۵). موضوع کشمکش از منظر هونت حول نابرابری‌های اقتصادی نیست، بلکه موضوع کشمکش در نبردهای اجتماعی، تکذیب یا انکار نهادی در به رسمیت‌شناسی هویت یا تحقیر اجتماعی^۲ برخی گروه‌های اجتماعی است (هونت، ۲۰۰۱)، که حکومت تلاش می‌کند در اشکال مختلفی با آن برخورد و در مقابل آن برخورد کند. در مقابل قربانیان بی‌عدالتی برای به رسمیت شناخته شدن با تولید اندیشه‌های متعارض با هنجارهای سیاسی درگیر می‌شوند (مارفی، ۲۰۱۱: ۷۶). نظریه «به رسمیت‌شناسی»^۳ گروه‌های به حاشیه رانده

1 . Axel Honneth

2 . Social contempt

3 . Recognition theory

شده و آسیب‌دیده را از لحاظ میزان بی‌عدالتی در فرایند به رسمیت‌شناسی می‌توان در چهار رده جای داد اعم از : ۱- گروه‌های تحقیر شده (گروه‌هایی که در رابطه با نظام حاکم کوچک و تحقیر شده‌اند)، ۲- اختلال در به رسمیت شناخته شدن (گروه‌هایی که به رسمیت شناخته شدن آن‌ها مختل شده یا به نحوی تمام عیار به رسمیت شناخته نمی‌شوند)، ۳- نادیده‌انگاشتنی (گروه‌هایی که وجودشان از سوی نظام حاکم انکار می‌شود)، ۴- نابرابری در به رسمیت‌شناسی (گروه‌هایی که به رسمیت شناخته می‌شوند، ولی مورد تبعیض قرار می‌گیرند (حاضری و محمدی، ۱۳۹۱: ۵). علاوه بر این، هونت به این‌که سوژه جهت‌تکوین هویت خود و رسیدن به شأن و حرمت اجتماعی و تحقق عدالت و توزیع برابر حقوق و امتیازات، در مقابل سوژه‌ای که گفتمان قدرت درصدد هنجارمند کردن آن است یا به صورت طبیعی یا پیشینی وجود داشته است، چگونه اعتراض می‌کند و گفتمان قدرت را مجبور به بازاندیشی در مواضع خود می‌کند نیز اشاره دارد (فلمنگ، ۲۰۰۸: ۴۴).

بنابراین در برساخت حساسیت نظری ضمن توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حاکم، لازم است به این‌که کنشگران چه تفسیری از شرایط، مطالبات و اقدامات مطالبه‌گری دارند، توجه نمود تا بتوان دلایل مطالبه‌گری و عدم آن را کشف نمود. حتی نظریه‌های اجتماعی شدن نیز در سطح خرد و میانه اعم از بستر خانواده، مدرسه، گروه همسالان، رسانه‌ها و سازمان‌ها متوجه شکل‌گیری الگوهای فرهنگی و اجتماعی است. بویژه اینگلهارت براساس نظریه دگرگونی ارزشی و دو فرضیه کمپابی و جامعه‌پذیری، نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری فرد و کیفیت آن در سال‌های قبل از بلوغ، در شکل‌گیری ارزش‌های بنیادین افراد و اولویت مطالبات، دغدغه‌ها و نیازهای آن‌ها اثرات تعیین‌کننده‌ای دارد. بنابراین توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که فرزندان در آن پرورش یافته و کیفیت ارزش‌هایی که یادگرفته‌اند؛ می‌تواند، مطالبات و وضعیت مطالبه‌گری آن‌ها را پیش‌بینی کند. علاوه بر این متاثر از نظریه به رسمیت‌شناسی هونت، می‌توان به این‌که آیا مطالبات تجددگرا و مخالف هنجارهای رسمی از سمت زنان مطرح شده است؟ یا این‌که چگونه ساختار سیاسی در مقابل مطالبات تجددگرا و سکولار نسل جوان مقاومت می‌کند و یا زنان چگونه در جهت تحقق عدالت و به رسمیت شناسی هویتی که می‌خواهند و هویتی که ساختار سیاسی آن را به رسمیت می‌شناسد، مطالبه‌گری می‌کنند، حساس شد. لذا در پروتکل مصاحبه سؤالاتی طراحی شده است که ضمن پرداختن به ترتیبات اجتماعی شهروندی، شرایط کلان ساختاری، شرایط خرد مثل جامعه‌پذیری، ارزش‌ها، سبک زندگی، تفسیر کنشگران از موقعیت، انگیزه و نظایر این‌ها نیز مورد کاوش قرار گیرد.

پیشینه تجربی

با مرور پیشینه‌های مرتبط، خلأ پژوهشی موجود در رابطه با مسئله پژوهش قابل ردیابی است. همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، اغلب پژوهش‌ها در زمینه آگاهی از حقوق شهروندی و نقش آن در مطالبه‌گری و تحقق حقوق و یا بررسی عواملی چون سبک زندگی و مصرف رسانه‌ای در میزان آگاهی از حقوق شهروندی و نظایر این‌ها انجام شده است. به عنوان مثال اغلب پژوهش‌ها چون زنگنه و همکاران (۱۳۹۷)، رمضان‌مقدم و جانی‌پر (۱۳۹۶) بیشتر در زمینه حقوق شهروندی، آگاهی از حقوق شهروندی، رابطه آگاهی از حقوق شهروندی و شهروندی فعال انجام شده است. البته تعدادی از پژوهشگران اعم از جلیل‌مطلق (۱۴۰۱)، یحیی‌زاده (۱۴۰۰)، میرحسینی و همکاران (۱۳۹۸)، به بررسی وضعیت مطالبه‌گری در میان گروه معینی از شهروندان و رابطه آن با شبکه‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی و سبک زندگی پرداخته‌اند. برخی تحقیقات مثل امیری (۱۳۹۵)، شهریاری (۱۳۹۶) بیشتر از جنبه حقوقی به مطالبه‌گری و موانع قانونی و چالش‌های حقوق شهروندی پرداخته و برخی پژوهش‌ها اعم از علیزاده و باغدار دلگشا (۱۳۹۵)، بهشتی‌سرشت و پرویش

(۱۳۹۴) حاوی اطلاعات تاریخی در مورد مطالبه‌گری هستند. حتی در تحقیقات لاتین نیز چندان به مطالبه‌گری اجتماعی توجه نشده و در اغلب پژوهش‌ها اعم از وادزومپوس^۱ و ریهای^۲ (۲۰۲۰)، اویدمی (۲۰۱۵)، بیشتر به مشارکت، حقوق شهروندی و رابطه آن با میزان استفاده از اینترنت پرداخته شده است. البته برخی تحقیقات از نگاه فلسفی، اخلاقی و حقوقی به مطالبه‌گری پرداخته و برخی به مطالبه‌گری والدین از فرزندان و پیامدهای آن پرداخته‌اند. بویژه اینکه که به ندرت پژوهشی با روش کیفی در رابطه با مسئله پژوهش در دسترس بوده است.

فرج‌اله و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی نشان دادند که بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی و سطح مطالبه‌گری اجتماعی کارکنان رابطه مثبتی وجود دارد. همچنین، میان متغیرهای زمینه‌ای (سن، سطح تحصیلات، جنسیت) کارکنان و میزان آگاهی از حقوق شهروندی و سطح مطالبه‌گری اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد. اما بین مسئولیت‌پذیری کارکنان و متغیرهای وابسته رابطه معنی‌داری وجود یافت نشد.

جلیل‌مطلق (۱۴۰۱) در پایان‌نامه خود نشان داده است که بین عضویت در شبکه‌های اجتماعی با مطالبه‌گری حقوق شهروندی رابطه وجود دارد. همچنین، عضویت در شبکه‌های اجتماعی با مؤلفه‌های حقوق فرهنگی، مدنی، سیاسی و اجتماعی نیز معنادار شده است. همچنین، بین عضویت در شبکه‌های اجتماعی خارجی و شبکه‌های اجتماعی داخلی، بین نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و زمان صرف‌شده، با مطالبه‌گری حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر یاسوج رابطه وجود دارد.

یحیی‌زاده (۱۴۰۰) در پایان‌نامه خود نشان داد که شبکه‌های اجتماعی بر مطالبات اجتماعی دانش‌آموزان به طور مستقیم و معناداری تاثیر دارد. به طور کلی میزان درگیری با شبکه‌های اجتماعی، حمایت و تعلق عاطفی به شبکه‌های اجتماعی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی با مطالبات دانش‌آموزان رابطه معنادار و مثبت داشت، اما جنسیت رابطه معناداری با مطالبات دانش‌آموزان نشان نداد.

رحیمی‌سجاسی (۱۳۹۹) در پژوهشی نشان دادند که خودخاموشی، درماندگی آموخته شده، زنانگی فراشرعی، خانواده‌مداری و اخلاق‌مداری مانع مطالبه‌گری زنان شده است. درواقع زنان با ادراک توانایی‌های فردی خویش، شرایط فرهنگی- اجتماعی جامعه، و خلقیات شوهر با اتخاذ رویکرد واقع‌گرایی، از مطالبه حقوق شناخته شده خود ممانعت کرده و در تخصیص حقوق زن و تثبیت وضعیت موجود، مشارکت می‌ورزند.

زنگنه و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند بین میزان آگاهی از حقوق شهری و مشارکت فعال با نهادهای مدیریت شهری رابطه معنی‌دار مثبت وجود دارد. به این صورت که هر چه میزان آگاهی از حقوق شهروندی بالاتر باشد، مشارکت شهروندان با نهادهای مدیریت شهری نیز افزایش می‌یابد. همچنین بین آگاهی از حقوق شهری ساکنان با متغیرهای جنسیت، میزان درآمد، سطح تحصیلات رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد اما بین دو متغیر سن و مدت اقامت ساکنان با متغیر وابسته رابطه معنی‌دار وجود ندارد.

نواح و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند بین متغیر سواد رسانه‌ای به‌عنوان متغیر مستقل و آگاهی از حقوق شهروندی و دموکراسی‌خواهی به‌عنوان متغیرهای وابسته رابطه معنی‌داری وجود دارد. به این معنا که با افزایش سواد رسانه‌ای، متغیرهای وابسته نیز افزایش می‌یابد.

لو^۱ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی نشان دادند مطالبه‌گری والدین بر افسردگی فرزندان از طریق افزایش نشخوار فکری اثر می‌گذارد. لذا می‌توان با کاهش دستورات والدین، به کاهش نشخوار فکری در کودکان و کاهش افسردگی آن‌ها کمک کرد. نشات^۲ (۲۰۲۱) در پژوهشی نشان داده است که در قرن بیستم، سنت‌های قدیمی حاکم بر زندگی زنان در ایران به تدریج با تغییر برداشت زنان از خود و نگرش مردان نسبت به زنان، دگرگون شد. تسلط مردانه بر زنان با گوشه‌نشینی زنان نشان داده می‌شد. گوشه‌نشینی در بیرون از خانه با پوشیدن حجاب، که جدایی جهان زن و مرد را تضمین و تداوم می‌بخشید، تحمیل می‌شد. با این وجود تعالیم اسلام وضعیت زنان را بهبود بخشید. زنان از حقوق اقتصادی، مذهبی و مدنی برخوردار شدند، هر چند در حوزه‌های اقتصادی و مدنی حقوق آن‌ها با مردان برابر نبود و حتی ارزش کار مردان بیشتر از کار زنان بود و مردان باهوش‌تر از زنان تلقی می‌شدند. بنابراین می‌توان گفت برخی از تحولات در جامعه اسلامی، روندهایی را تسریع کرد که به انزوای بیشتر زنان دامن زد و تأثیر آموزه‌های برابری طلبانه اسلام را خنثی کرد.

وادمیوس^۳ و ریهای^۴ (۲۰۲۰) در پژوهشی نشان داده است که ظهور رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزار مبارزاتی که توسط سازمان‌های حمایت از حیوانات استفاده می‌شود، توانایی شهروندان آفریقایی روستایی را برای درگیر شدن با فرآیندهای سیاسی که بر حقوق آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ کاهش داده است ولی توانایی شهروندان غربی را برای ایفای این نقش تقویت نموده است.

همان‌طور که گذشت، با مرور و بررسی پیشینه تجربی و تبیین خلأ یا شکاف موجود درباره مسئله پژوهش، ضرورت انجام مطالعه حاضر مشخص شد. به منظور فهم بهتر جایگاه این پژوهش و تمایزش با پژوهش‌های پیشین لازم به ذکر است که این پژوهش هم به‌لحاظ موضوعی و هم به‌لحاظ روشی با سایر پژوهش‌ها متفاوت است. بدین‌صورت که به‌لحاظ موضوعی از نوآوری برخوردار است و تحقیقی برای شناخت و بررسی شرایط تضعیف‌کننده مطالبه‌گری انجام نشده است. از سوی دیگر اغلب تحقیقاتی که مرور شد، با روش پیمایش انجام شده است، درحالی‌که پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای انجام شده است. اما مرور پژوهش‌ها حساسیت نسبت به مؤلفه‌هایی اعم از آگاهی از حقوق شهروندی، نقش رسانه‌ها در آگاهی از حقوق شهروندی و مطالبه‌گری، تحولات اجتماعی-فرهنگی در نوع مطالبات و رشد مطالبه‌گری برانگیخته است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر با هدف شناخت بسترها و شرایط تحدیدکننده و تضعیف‌کننده مطالبه‌گری با رویکرد کیفی انجام شده است. با توجه به اینکه مطالبه‌گری را باید در بافت و بستر آن مطالبه نمود از روش گرند تئوری یا روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. پژوهش حاضر در بستر شهر یزد انجام شده است که می‌توان تلفیقی از سنت و مدرنیته را در آن مشاهده نمود. از سوی دیگر زنان بویژه زنان یزدی تحت تأثیر بافت سنتی و مذهبی حاکم، محدودیت‌های بیشتری را بر رفتارهای خود احساس می‌کنند و در فضاهای عمومی نیز از برخی حقوق شهروندی خود محروم شده‌اند. در شهر یزد با نظر به بافت سنتی و مذهبی آن، برخی زنان بعد از فوت همسر به شدت تحت تأثیر قضاوت‌های اجتماعی منزوی شده و از روابط اجتماعی محروم می‌شوند، درحالی‌که مردان چنین محدودیت‌هایی ندارند. به گونه‌ای که حتی ازدواج زنان بیوه نیز تا چندین سال قبل ناپسند به نظر می‌رسید. علاوه بر این بعضی از خانواده‌ها با شاغل شدن و تحصیلات دانشگاهی زنان و یا مسافرت مجردی دختران و زنان نیز مخالفت می‌کردند. هم‌چنین در برخی خانواده‌های یزدی، ساکت بودن، نجیب بودن،

1. Lo

2. Nashat

3. Madzwamuse

4. Rihoy

خودسانسوری، محافظه‌کاری و نظایر این‌ها پسندیده بوده است و دختران به نهادینه‌ساختن این ارزش‌ها تشویق می‌شدند، به گونه‌ای که دختری که برخلاف این ارزش‌ها رفتار می‌کند، طرد می‌شود. همان‌طور که در پژوهش مبارکی و همکاران احساس نابرابری جنسیتی بین مادران و دختران یزدی تفاوت معناداری داشته است. مادران یزدی بیشتر احساس نابرابری داشته‌اند که تا حدی ناشی از احساسات انباشته شده آن‌ها از گذشته تاکنون و حضور کم‌تر آن‌ها در عرصه‌های عمومی و اجتماعی بوده است، ولی دختران نسبت به مادران احساس نابرابری جنسیتی کم‌تری داشته‌اند. ساختار قدرت، باورهای قالبی جنسیتی، هنجارهای جنسیتی از عواملی بوده است که اثر مستقیم معناداری در احساس نابرابری جنسیتی آن‌ها داشته است. (مبارکی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۸-۱۵۸). البته لازم به ذکر است که امروزه تغییراتی در بهبود این وضعیت به وجود آمده است که اغلب تحت‌تأثیر تغییرات اجتماعی-فرهنگی و مطالبه‌گری زنان نیز بوده است و زنان و دختران نسبت به قبل آزادی‌های بیشتری در تحقق حقوق شهروندی‌شان به دست آورده‌اند. اما هم‌چنان برخی زنان از بیان مطالبات‌شان در سطوح مختلف خرد و کلان خودداری می‌کنند و یا زمانی شهروندان مطالبه‌گری بوده‌اند، ولی بعد از مدتی از مطالبه‌گری خودداری می‌کنند. لذا در این پژوهش شرایطی که باعث تضعیف مطالبه‌گری حقوق شهروندی شده و در ابراز یا عدم ابراز مطالبات از سوی زنان یزدی نقش داشته، مورد کاوش قرار گرفته است.

معیاری که برای شمول مشارکت‌کنندگان در پژوهش بدان توجه شد، این بود که والدینی انتخاب شوند که به لحاظ عقاید، علایق، سبک زندگی با فرزندان‌شان تفاوت قابل توجهی داشته باشند. نسبت مادر-فرزندی و عدم نسبت مادر-فرزندی مشارکت‌کنندگان نیز معیاری دیگری بود که در انتخاب مشارکت‌کنندگان مورد توجه بوده است. بنابراین گروه‌های سنی ۱۵-۲۵ سال و ۴۵ به بالا که برخی دارای نسبت مادر-فرزندی و برخی بدون نسبت خانوادگی با یکدیگر بوده‌اند، از اولویت‌هایی بوده است که در انتخاب مشارکت‌کنندگان بدان توجه شده است.

نمونه‌گیری پژوهش حاضر براساس نمونه‌گیری نظری و هدفمند انجام شده است. در این روش مشارکت‌کنندگان به صورت هدفمند و در جهت خلق یا توسعه نظریه از این عرصه کمتر شناخته شده، در پژوهش مشارکت داشتند. علاوه بر این از نمونه‌گیری با حداکثر تنوع نیز جهت انتخاب مشارکت‌کنندگان، استفاده شده است. بنابراین شرایطی که باعث تضعیف مطالبه‌گری زنان برای حقوق شهروندی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی-فرهنگی می‌شود، در سطوح مختلف خرد تا کلان با انتخاب نمونه‌ها با حداکثر تنوع پیگیری شده است. البته با توجه به روش نظریه زمینه‌ای و تعداد محدود مشارکت‌کنندگان در مقایسه با روش‌های کمی، شناخت چنین شرایطی در این دامنه گسترده به تعمیم داده‌ها منجر نمی‌شود، ولی شناخت زمینه‌ای و بسترمندی از شرایط تضعیف‌کننده مطالبه‌گری زنان برای حقوق شهروندی حاصل می‌شود. به‌عنوان مثال باید از مطالبه‌گری زنان در محیط خانواده سوال می‌شد تا فهمید مشارکت‌کننده در محیط خانواده همانند محیط جامعه مطالبه‌گری می‌کند یا خیر؟ آیا فرد به لحاظ اخلاقی و رفتاری، روحیه مطالبه‌گری ندارد و یا روحیه مطالبه‌گری داشته است، ولی بواسطه شرایطی مثل فقدان پاسخگویی و غیره از مطالبه‌گری خودداری می‌کند؟ و نظایر این‌ها را با توجه به این دامنه مطالبه‌گری می‌توان دریافت. گردآوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها به صورت همزمان انجام شده است و داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشته است. با انجام مصاحبه‌های عمیق که کمترین آن‌ها ۳۰ دقیقه و بیشترین آن‌ها سه ساعت به طول انجامیده است، داده‌ها گردآوری و با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا مدیریت شدند و در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

در این پژوهش جهت تضمین صحت و قابلیت اعتماد یافته‌ها از چهار معیار اعتبارپذیری^۱، انتقال‌پذیری^۲، قابلیت اطمینان^۳ و تاییدپذیری^۴ مطرح شده توسط لینکلن و گوبا^۵ (۱۹۸۵) استفاده شده است (حریری، ۱۳۸۵: ۶۴-۷۶). بدین صورت که با تماس طولانی با محیط پژوهش، مشاهده مستمر، بررسی از زوایای مختلف و تبادل نظر با همتایان معیار اعتبارپذیری تقویت شده است. از رهگذر راهبردهای توصیف کامل زمینه، شرایط پژوهش و ارائه جریانات کامل، معیار انتقال‌پذیری رعایت شده است. قابلیت اطمینان با توصیف و توجه به تغییرات و شرایط متغیر پدیده‌های مورد مطالعه و طرح پژوهش ممکن شده است. در نهایت در مسیر افزایش معیار تاییدپذیری همانند معیار قابلیت اطمینان از تبادل نظر با همتایان استفاده شده است. برای اطمینان و اتکاپذیری داده‌ها نیز مصاحبه‌های تحقیق در محیطی آرام و به‌طور کامل ثبت و ضبط شده است. بویژه اینکه ملاحظات اخلاقی نیز به‌طور کامل رعایت شد، بدین صورت که مشارکت‌کنندگان با رضایت کامل در پژوهش مشارکت نمودند و اطلاعات به صورت محرمانه ضبط و سپس به متن تبدیل شد و پس از آن فایل صوتی حذف گردید و در نهایت برای مشارکت‌کنندگان از اسامی مستعار استفاده شد. در این پژوهش ۱۳ زن یزدی با حداکثر تنوع سنی، تحصیلی و شغلی مشارکت کردند که اطلاعات توصیفی آن‌ها در جدول شماره ۱ پیوست گردیده است.

جدول شماره ۱. ویژگی‌های توصیفی مشارکت‌کنندگان

تعداد	اسامی مستعار	سن	وضعیت تاهل	میزان تحصیلات	شغل	نسبت خانوادگی
۱	مهدیه	۲۵	متاهل	دیپلم	خیاط	مادر-فرزند
۲	مریم	۴۸	متاهل	ابتدایی	خانه دار	مادر-فرزند
۳	فاطمه	۱۹	مجرد	دانشجوی کارشناسی	دانشجو	مادر-فرزند
۴	فخری	۴۶	متاهل	ابتدایی	خانه دار	مادر-فرزند
۵	معصومه	۴۵	متاهل	ابتدایی	خیاط	مادر-فرزند
۶	مهشید	۱۹	متاهل	دیپلم	خانه دار	مادر-فرزند
۷	نسرتین	۴۸	متاهل	راهنمایی	خیاط	-
۸	نرگس	۲۱	متاهل	دانشجوی کارشناسی	دانشجو	-
۹	مانده	۲۱	متاهل	دانشجوی کارشناسی	دانشجو	-
۱۰	ندا	۲۵	متاهل	دیپلم	خانه‌دار	-
۱۱	ناهید	۲۵	مجرد	کارشناسی	مربی آموزشی	-
۱۲	شیدا	۲۵	مجرد	کارشناسی	منشی مرکز دیابت	-
۱۳	فانزه	۲۵	متاهل	کارشناسی	مددکار اجتماعی	-

یافته‌ها

با تحلیل مصاحبه‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی، پدیده مرکزی تحت عنوان «ارزش‌زدایی از مطالبه گری» برساخت شده است. شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای که در شکل‌گیری، تشدید یا تضعیف پدیده مرکزی نیز نقش داشته است، مورد مطالعه قرار گرفته و یافته‌های حاصل به شرح ذیل ارائه شده است:

1. Credibility
2. Transferability
3. Dependability
4. Confirmability
5. Lincoln & Guba

شرایط علی

ناآگاهی از حقوق/قوانین

با نظر به تغییرات گسترده جامعه معاصر، اهمیت آگاهی از حقوق و قوانین در سطوح مختلف خرد و کلان خاطرنشان می‌شود. ناآگاهی از حقوق/قوانین پیامدهای مختلفی به همراه دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها ناکامی در تحقق حقوق اعم از حقوق مادی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و به‌طور کلی حقوق شهروندی محسوب می‌شود. نقش عنصر آگاهی در تقویت یا تضعیف مطالبه‌گری و مشارکت با پژوهش‌های فرج‌الله و همکاران (۱۴۰۱)، زنگنه و همکاران (۱۳۹۷) و رمضان مقدم و جانی‌پر (۱۳۹۶) همسو بوده است. ناآگاهی از حقوق این چنین روایت شده است:

«به بخشی از موانع رسیدن به حقوقمون هم خودم و هم ناآگاهی بود، عدم آگاهی از حقوقم» (دانشجوی کارشناسی - متاهل - ۲۱ ساله)

تعمیم فقدان پاسخگویی مسئولانه به مطالبات

فرایند مطالبه‌گری ناظر بر کنش‌های مطالبه‌گرانه شهروندان و پاسخگویی مرجعین یا مخاطبان مطالبات است. بین این دو طرف رابطه دیالکتیکی وجود دارد، به‌عنوان مثال استفاده از کنش‌های مطالبه‌گرانه نابه‌هنگار متعاقبا پاسخگویی خشونت‌آمیز و نامطلوبی به همراه خواهد داشت. لذا با توجه به شرایط مختلفی که مطالبه‌گری در بستر آن رخ می‌دهد و کنش‌های مطالبه‌گرانه، پاسخگویی مخاطبان یا مرجعین مطالبات نیز متفاوت خواهد بود. گاهی شهروندان پاسخ مسئولانه و مورد انتظاری از افراد یا مسئولین یا نهادهای ذی‌ربط دریافت نمی‌کنند و همین امر را به سایر افراد و نهادها تعمیم می‌دهند. تعمیم فقدان پاسخگویی مسئولانه ممکن است در رسانه‌ها یا دوره‌های دوستانه و خانوادگی و نظایر این‌ها منعکس شود که با فراگیر شدن باور به فقدان پاسخگویی، حتی افرادی که قصد مطالبه‌گری دارند، از کنشگری ناامید شده و از کنشگری منصرف می‌شوند. تعمیم فقدان پاسخگویی مسئولانه به مطالبات این چنین روایت شده است:

«ولی اعتراض ما هیچ فایده‌ای نداره، چون هیچ که به حرفمون گوش نمیده» (دیپلم - خیاط - متاهل - ۲۵ ساله)

همچنین گاهی به رغم مطالبه‌گری مسالمت‌آمیز و قانونی نیز پاسخ مطلوبی دریافت نمی‌شود و نوعی احساس بی‌اهمیتی با شنیده نشدن مطالبات در شهروندان شکل گرفته است. کماینکه گاهی پاسخگویی فقط در جهت رفع تکلیف انجام می‌شود و در عمل نمود پیدا نمی‌کند. پاسکاری ارباب رجوع و فقدان پاسخگویی مسئولانه این چنین بازتعریف شده است:

«جوابگوی مطالبات ما نیستن از این پاست میدن به اون از اون پاست میدن به اون» (راهنمایی - خیاط - متاهل - ۴۸ ساله)

ترس از هزینه‌های مادی و غیرمادی مطالبه‌گری

مطالبه‌گری راهبردهای مختلفی دارد اعم از مسالمت‌آمیز، خشونت‌آمیز، قانونی و غیرقانونی و غیره و در نتیجه پاسخگویی متفاوتی نیز به دنبال خواهد داشت. گاهی بواسطه استفاده از کنش‌های مطالبه‌گرانه معترضان که نظم موجود را تهدید می‌کند، نه تنها پاسخی دریافت نمی‌شود، بلکه با اعمال هزینه‌های جبران‌ناپذیری در سطوح مختلف مادی و غیرمادی نیز در مقابل مطالبه‌گران برخورد و مقاومت می‌شود. هزینه‌های جزایی مطالبه‌گری این چنین روایت شده است:

«کدام اختلاس‌گر جلو چشم مردم اعدام شد و اموالش به نفع مردم مصادره شد، ولی اگر شعار بنویسی به زودی شناساییت میکنن و دستگیر میشی» (ابتدایی - خانه‌دار - متاهل - ۴۶ ساله)

شرایط زمینه‌ای

تعلقات عاطفی

انسان‌ها در طول دوران زندگی، احساس تعلق و تعهد به خانواده، اجتماع و حتی دارایی‌های مادی خویش را تجربه می‌کنند. تعلقات مادی، ترس از هزینه‌های مادی مطالبه‌گری را تشدید و تعلقات عاطفی نسبت به خانواده و اجتماع، ترس از هزینه‌های غیرمادی مطالبه‌گری را برجسته می‌سازد. بنابراین کنش‌های مطالبه‌گرانه اغلب بواسطه تعلقات عاطفی مورد تحدید قرار گرفته است. تعلقات عاطفی این‌چنین بازتعریف شده است:

«زمانی میتونم اینقدر ریسک کنم که تنها باشم و وقتی چندین نفر دیگه درگیر سلامت و امنیت منن، من حق خودخواهی ندارم» (کارشناسی - مددکاراجتماعی - متاهل - ۲۵ ساله)

نداشتن روحیه مطالبه‌گری

روحیه مطالبه‌گری نه تنها از عواطف حاکم بر رفتار نظیر احساسی بودن، مهربانی و شرایط روحی نامساعد تاثیر می‌پذیرد، بلکه بواسطه خصوصیات اخلاقی و رفتاری اعم از شجاع یا ترسو بودن، محافظه‌کار بودن، متوقع نبودن، خجالتی بودن، کم حرف بودن و عدم تمرکز بر اتمام مسائل و غیره نیز می‌تواند در معرض شدت و ضعف قرار گیرد. بنابراین برخی افراد حوصله‌ای برای کنش‌های مطالبه‌گرانه بویژه در سطوح اجتماعی-فرهنگی نداشته و از انجام کنش‌های مطالبه‌گرانه ارزش‌زدایی و اجتناب می‌کنند. نداشتن روحیه مطالبه‌گری این‌چنین بازتعریف شده است:

«وقتی مردم درگیر معیشتشون هستن، وقتی مردم درگیر حداقل‌های زندگیشون، برای چی بیاد مطالبه‌گر باشه، بابا نه حالشو داره نه حوصله‌ش» (کارشناسی - مددکاراجتماعی - متاهل - ۲۵ ساله)

دیگران قاضی

اغلب مطالبه‌گری در سطوح خرد و کلان با قضاوت‌های سرزنش‌کننده، ناامیدکننده، تمسخرآمیز دیگران همراه بوده است. همین قضاوت‌ها، مسئله دیگران قاضی را بر ساخت می‌کند که با کلام و رفتار قضاوت‌کننده، مطالبه‌گران را آزرده خاطر می‌سازند و مسیر ناهموار مطالبه‌گری را ناهموارتر می‌سازند. دیگران قاضی این‌چنین روایت شده است:

«من تا حدودی تونستم از حقم دفاع کنم بویژه تو بحث میراث که هنوز دارم حرفش می‌شنوم» (ابتدایی - خانه‌دار - متاهل - ۴۶ ساله)

شرایط مداخله‌گر

کاشت فرهنگی مسئله مطالبه‌گری

ضعف کنش‌های مطالبه‌گرانه خانواده، کیفیت جامعه‌پذیری در مطالبه‌گر پروری، تفاوت سبک‌های فرزندپروری در گذر زمان، سبک فرزندپروری خشونت‌آمیز در گذشته، سبک فرزندپروری دیکتاتورمآبانه، ترس آموخته شده، تغییرات اخلاقی-رفتاری، تغییرات اجتماعی-اقتصادی، تغییرات فرهنگی، هویت اسلامی ایران، بایدها و نبایدهای دینی، اعتقادات دینی نسل قدیم، اعتقاد به عدل الهی، انتقال نسلی اعتقادات دینی، الگوهای ضمنی مروج سلطه‌پذیری، ترجیحات غیر مطالبه‌گرانه و مصرف رسانه‌ای مقولاتی هستند که در بر ساخت کاشت فرهنگی مسئله مطالبه‌گری نقش دارند. با تغییرات جامعه و نفوذ رسانه‌های نوین، تغییرات گسترده‌ای شامل جامعه‌پذیری و الگوهای تربیتی، تغییرات اخلاقی-رفتاری، تغییرات اجتماعی-اقتصادی، تغییرات فرهنگی و حتی دینی در بین شهروندان بویژه نسل نوجوان و جوان ایجاد شده است. از طرفی سبک‌های فرزندپروری از پدرسالاری و دیکتاتورمآبانه و خشونت‌آمیز به سبک‌های فرزندپروری فرزندسالارانه و غیرخشونت‌آمیز تغییر یافته است، به گونه‌ای که فرزندان نسبت به گذشته از اختیار بیشتری برخوردار هستند و در خانواده حق ابراز نظر و عقیده بیشتری دارند. اما رفتار والدین و ترجیحات غیر مطالبه‌گرانه آن‌ها نیز می‌تواند به فرزندان منتقل شود، این‌که روحیه دگر محوری، اجتماع‌مداری و نظایر این در پراتز قرار گرفته یا برعکس تشویق شود، ممکن است در تمایل فرزندان به کنش‌های مطالبه‌گرانه نقش داشته باشد. خانواده‌ها ممکن است صرفاً مطالبه‌گر حقوق فردی و

خانوادگی در سطوح اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره باشند و با فعالیت‌های مطالبه‌گرا نه اجتماعی بیگانه باشند و یا پیگیر هر دو نوع مطالبات باشند. الگوی تربیتی مطیع‌پروری خانواده‌های یزدی این چنین روایت شده است:

«تو این جوها بزرگ نشدیم که مثلاً کسی از حق خودش دفاع کنه، همش گذشت بوده، همش گفتن بگذر؛ بگذر» (دیپلم - خانه‌دار - متاهل - ۱۹ ساله)

در خانواده‌ها اغلب ترس و محافظه‌کاری به کودکان نسل قدیم آموزش داده شده است و چنین آموزش‌هایی با بافت اجتماعی-فرهنگی نیز همسو به نظر می‌رسید. با توجه به بافت سنتی-مذهبی شهر یزد، الگوهای مروج سلطه‌پذیری برای دختران، زنان و حتی زنان بیوه به شدت اهمیت داشته است و امروزه از شدت آن کاهش یافته است. درواقع الگوهای ضمنی حاکی از مطلوبیت کم حرف بودن، آرام بودن، نجیب بودن، خجالتی بودن، منزوی و در خانه بودن، پررو نبودن، مطیع و فرمان‌پذیری برای دختران و زنان بوده است. الگوهای مروج سلطه‌پذیری این چنین روایت شده است:

«اکثر خانواده‌ها این شکلی‌ان که فکر میکنن خصوصاً توی یزد متأسفانه که اگر تو آدم آرومی باشی حرف نزدی بله قربان‌گو باشی خیلی قشنگ‌تره، ولی اگر بیان داشته باشی و صحبت کنی، می‌گن چقدر دختر پررویی هه، چقدر حرف می‌زنه» (کارشناسی - منشی - مجرد - ۲۵ ساله)

نه تنها هویت شهر یزد بلکه هویت ایران با اسلامی بودن پیوند عمیقی دارد و اعتقادات دینی نسل به نسل منتقل شده است، لذا مطالباتی که با این هویت و با بایدها و نبایدهای دینی ناهمسو باشند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند و با آن برخورد می‌شود. در چنین بستری بسیاری از افراد حق خود را به خدا واگذار می‌کنند و منتظرند خدا جواب ظالمان و کسانی که حق افراد را تضییع می‌کنند، بدهد و این چنین اعتقاد آن‌ها به عدل الهی بر ساخت می‌شود. اعتقاد به عدل الهی این چنین روایت شده است:

«ولی اگر بدونم یکی حقم و خورده، نه راضی نیستم، مثلاً برادرشوهرم خیلی در حق ما ظلم کرد منم مگم خدایا حق بشه نا حق نشه شاید دیدی خدا یه روزی جواب بده» (ابتدایی - خانه‌دار - متاهل - ۴۸ ساله)

بسترهای نامساعد مطالبه‌گری

گاهی افراد خود را موظف به مطالبه‌گری می‌دانند ولی به تفسیر شرایط جهت مطالبه‌گری می‌پردازند. اغلب شرایط جهت پرورش مطالبه‌گری، کنش‌های مطالبه‌گرا نه و حتی پاسخگویی و تحقق مطالبات غامض توصیف می‌شود. شرایط نامساعد فرهنگی، شرایط نامساعد هنجاری، شرایط نامساعد اخلاقی-رفتاری، شرایط نامساعد ذهنی حاکی از آن است که نه تنها شرایط جهت مطالبه‌گری فراهم نیست بلکه نحوه برخورد و مدیریت مطالبه‌گری نیز به گونه‌ای است که تحقق مطالبات دور از دسترس تفسیر می‌شود. جامعه به لحاظ ذهنی آغشته به پیش‌داوری‌ها، پیش‌فرض‌ها و تعصبات بی چون و چراست که همسو با شرایط نامساعد فرهنگی نیز افراد نه تنها توانایی کمی در انتقاد سازنده دارند، بلکه ظرفیت پذیرش نقد و مورد سوال واقع شدن را نیز ندارند. به گونه‌ای که تحسین را حتی به دروغ و غیرواقعی بر نقد مبتنی بر حقیقت ترجیح می‌دهند. شرایط نامساعد ذهنی برای مطالبه‌گری/پاسخگویی این چنین توصیف شده است:

«ولی اگر دو طرف بخوان برای هم جبهه بگیرن اون جوون بسیجی که کشته شده هموطن ماست اون جوونی هم که می‌گین اغتشاشگره و کشته شده اونم باز هموطن ماست» (ابتدایی - خانه‌دار - متاهل - ۴۸ ساله)

به لحاظ اجتماعی-فرهنگی، به ندرت فرهنگ و حقوق شهروندی به طور رسمی آموزش داده می‌شود. در یزد نیز به لحاظ اخلاقی-رفتاری، محافظه‌کاری، ترس، و تنش‌گریزی در بین شهروندان رواج دارد که ترجیحات غیر مطالبه‌گرا نه را تقویت و از مطالبه‌گری ارزش‌زادایی می‌شود. کم‌اینکه فروکاست اعتماد اجتماعی، احساس ناامنی اجتماعی به همراه شرایط نامساعد

هنجاری و غلبه نگاه امنیتی و سیاسی کردن مطالبات و مطالبه‌گری بر شرایط نامساعد اخلاقی مطالبه‌گری دامن می‌زند. محافظه‌کاری مردم یزد این چنین روایت شده است:

«چون مردم تو یزد خیلی ترسو تر از این حرفان، خیلی محافظه‌کار تر از این حرفان، قرار نیست که به صورت جمعی اعتراضشون رو بیان کنن» (کارشناسی - منشی - مجرد - ۲۵ ساله)

پول‌سالاری

امروزه با افزایش تفاوت‌ها و شکاف‌های طبقاتی، و حتی آگاهی نسبی از حقوق شهروندی، رسیدن به آرزوهای مادی، برخورداری از رفاه و پیشرفت‌های مادی، برای شهروندان اهمیت ویژه‌ای یافته است. درواقع شهروندان همواره درگیر رقابت بر سر منابع کمیاب و ارزشمند جامعه هستند. آن‌ها بر سر امتیازهای اقتصادی و اجتماعی در رقابت با یکدیگرند و برای تحقق مطالبات مادی خود تلاش مضاعفی می‌کنند. اما شرایط اقتصادی نابه‌سامان، تورم بی‌رویه، رکود و نظایر این‌ها فشارهای زیادی را بر شهروندان بویژه طبقات پایین و متوسط جامعه تحمیل ساخته است، به‌گونه‌ای که اغلب افراد به قدری درگیر دغدغه‌های اقتصادی زندگی خویش هستند که زمانی برای فکر در باب نیازهای غیرمادی نظیر مسائل محیط زیست، مسائل فرهنگی - اجتماعی، اوقات فراغت، آزادی بیان و نظایر این‌ها نمی‌یابند و حتی از صرف زمان برای مطالبه‌گری چنین موضوعاتی ارزش‌زدایی می‌کنند. پول‌پرستی مردم یزد این چنین روایت شده است: «مردم یزد فقط پول جمع کنن؛ بخورن و بخوابن و گشنه بازی دربیارن» (دیپلم - خیاط - متاهل - ۲۵ ساله)

چالش‌های کنترل/مصرف رسانه

نفوذ رسانه‌های نوین و استفاده از شبکه‌های اجتماعی و به‌طورکلی مصرف رسانه‌های غیرملی با پیامدهای مثبت و منفی همراه است. اگرچه رسانه‌های نوین ارتباطات فرازمانی و فرامکانی و رشد آگاهی بویژه آگاهی انتقادی و آگاهی از حقوق شهروندی را تسهیل نموده است، ولی چالش‌های مختلفی چون افشاگری و تهدید امنیت ملی و شایعه‌پراکنی را نیز به همراه دارد. بویژه اینکه حاکمیت با سیاست فیلترینگ بویژه در شرایط بحرانی از دسترسی رایگان و آزاد و راحت شهروندان به رسانه‌های نوین جلوگیری کرده تا خدشه‌ای به نظم موجود وارد نشود. سیاست فیلترینگ این چنین بازتعریف شده است:

«رسانه‌ها میتونه تقویت کنه مطالبه‌گری رو، ولی آزاد نیست، همه چی فیلتر شده اینستا میتونستن که فیلتر یوتیوب میتونستن که فیلتره» (دیپلم - خیاط - متاهل - ۲۵ ساله)

لازم به ذکر است که مسئله ترجیح نظاره‌گری بر کنشگری بواسطه نفوذ رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته است، به گونه‌ای که افراد صرفاً به دنبال افشاگری و رسانه‌ای کردن مسائل هستند و مطالبه‌گری صرفاً به فضای مجازی محدود شده است. از سوی دیگر نه تنها وقت افراد با حضور در فضاهای مجازی اتلاف می‌شود، بلکه نوعی بی‌حوصلگی و بی‌تفاوتی توسط برخی رسانه‌ها به مخاطبان القا می‌شود که البته عکس این قضیه نیز صادق است. ترویج نظاره‌گری بر کنشگری این چنین روایت شده است:

«به نظرم وقت جوانان امروز در فضای مجازی بیشتر تلف می‌شود و بیشتر مطالبه‌های آن‌ها به همین فضا ختم می‌شود، در حالی که در گذشته این طور نبود» (کارشناسی - دانشجو - متاهل - ۲۱ ساله)

تهایی مطالبه‌گری

مطالبه‌گری هم می‌تواند به صورت فردی و هم به صورت گروهی و جمعی یا ترکیبی از هر دو انجام شود. گاهی نیز در طول مسیر و با توجه به شرایط حاکم، ممکن است مطالبه‌گری از فردی به جمعی یا از جمعی به فردی تغییر کند. به عنوان مثال در مطالبه‌گری معترضان، تک‌تک افراد برای بیان مطالبات جمع می‌شوند و به تدریج توده‌ای از جمعیت شکل می‌گیرد و

درمقابل نیز ممکن است مقاومت و برخورد مسالمت آمیز یا خشونت آمیز با معترضان انجام گیرد که درصورت برخورد خشونت آمیز و سرکوب مطالبه‌گری، اغلب، جمعیت پراکنده شده و تنهایی مطالبه‌گری شکل می‌گیرد. حتی در مطالبه‌گری به صورت فردی خصوصاً در سطوح اجتماعی و خدمات شهری نیز تنهایی مطالبه‌گری برجسته می‌شود، به گونه‌ای که برای تحقق حقوق شهروندی و خدمات شهری تنها تعداد معدودی از شهروندان تلاش می‌کنند و از وقت و زندگی شخصی خود می‌گذرند. تنهایی مطالبه‌گری این چنین بازتعریف شده است:

«وقتی احساس کنی تنهایی وقتی احساس کنی تو فقط میخای حرف بزنی و رسیک کنی، همه ساکت میشن، همه هیچی نمیکن» (کارشناسی - منشی - مجرد - ۲۵ ساله)

پدیده مرکزی: ارزش‌زدایی از مطالبه‌گری

مقولاتی نظیر ناامیدی از مطالبه‌گری، عدم باور به موفقیت مطالبه‌گری در تحقق مطالبات، بی‌فایده دانستن مطالبه‌گری معترضان، خستگی از بی‌نتیجه ماندن مطالبه‌گری، بی‌فایده دانستن مطالبه‌گری بی‌پاسخ، ارزش‌زدایی از مطالبه‌گری را بازنمایی می‌کند. با توجه به آنچه گذشت می‌توان گفت ارزش‌زدایی از مطالبه‌گری شکل گرفته است به گونه‌ای که باور به فایده‌مندی و نتیجه‌بخشی مطالبه‌گری مورد تهدید قرار گرفته است. گاهی بعد از مطالبه‌گری و عدم تحقق مطالبات، احساس ناامیدی و درماندگی در مطالبه‌گران ایجاد می‌شود و گاهی با مشاهده فقدان پاسخگویی و ثمربخشی مطالبه‌گری دیگران و تعمیم آن، باور به اثربخشی مطالبه‌گری در غیر مطالبه‌گران تضعیف و باعث اجتناب آن‌ها از مطالبه‌گری خواهد شد. بنابراین مطالبه‌گری و بیان مطالبات در سطح خرد و بویژه در سطوح کلان حتی به صورت قانونی یا معترضان و با تشکیل تجمعات و یا اعتصاب نیز بی‌فایده توصیف می‌شود و اغلب شهروندان از بی‌فایده بودن مطالبه‌گری بخاطر فقدان پاسخگویی اثربخش، ناامید و خسته شده‌اند. بی‌فایدگی تلاش برای مطالبه‌گری این چنین روایت شده است: «چرا تلاش بیجا کنیم، کاری از دست ما برنمیاد، هیچکی پاسخگوی مطالبات ما نیست» (ابتدایی - خانه‌دار - متأهل - ۴۸ ساله)

درواقع شهروندان از ثمربخش بودن هر نوع مطالبه‌گری ناامید شده و وانمود می‌کنند مسائل جامعه برای آن‌ها اهمیتی ندارد. به عبارت بهتر می‌توان گفت ارزش‌زدایی از مطالبه‌گری اغلب در دو حالت رخ می‌دهد بدین صورت که یا ناشی از تجربه مستقیم افرادی است که مطالبه‌گری ناموفق داشته‌اند و یا حاصل تجربه غیرمستقیم افراد است و با مشاهده عدم توفیق دیگران در مطالبه‌گری یا شنیدن روایت‌هایی از سرکوب مطالبه‌گران و عدم توفیق آن‌ها در مطالبه‌گری شکل می‌گیرد. چراکه اغلب وقتی افراد در مطالبه‌گری و تحقق مطالبات‌شان توفیقی نمی‌یابند، به ارزش‌زدایی از مطالبه‌گری از هر نوع و در هر سطحی می‌پردازند و این چنین به تعمیم فقدان پاسخگویی به مطالبات نیز دامن زده و نوعی ناامیدی از مطالبه‌گری در دیگران خلق می‌شود. درنتیجه چنین افرادی بدون مطالبه‌گری خود را محکوم به شکست می‌دانند و لذا از مطالبه‌گری اجتناب می‌کنند. عدم باور به موفقیت مطالبه‌گری در تحقق مطالبات این چنین روایت شده است:

«رفتیم و نامه نوشتیم و اونجا هم زنگ خواهر و هر که می‌شناختیم زدیم و راهنمایی کردیم، خواهرم می‌گفت اینا الکیه و اینا دروغه» (ابتدایی - خانه‌دار - متأهل - ۴۸ ساله)

استراتژی‌ها

مطالبه‌گری محتاطانه - بازاندیشانه

با توجه به ارزش‌زدایی از مطالبه‌گری بویژه مطالبه‌گری معترضان و با مشاهده محدودیت‌ها و فقدان اثربخشی آن، اغلب مطالبه‌گران در شیوه مطالبه‌گری و حتی اقدام به مطالبه‌گری بازاندیشی می‌کنند. بدین صورت که از مطالبه‌گری هیجانی و معترضانة اجتناب می‌شود و از روش‌های محتاطانه مطالبه‌گری استفاده می‌شود تا ریسک کمتر و اثربخشی بیشتری به دنبال

داشته باشد. البته برخی از این فراتر رفته و از مطالبه‌گری با هر شیوه‌ای اجتناب می‌کنند. بازاندیشی در مطالبه‌گری هیجانی این چنین بازتعریف شده است:

«یعنی الانم که بخوام مطالبه‌گری بکنم سعی میکنم مطالبه‌گریه معقول باشه یعنی قبلا مطالبه‌گری می‌کردم حتی به بهای از دست دادن سرم» (کارشناسی - مددکار اجتماعی - متاهل - ۲۵ ساله)

تحریم مطالبه‌گری

همسو با بازاندیشی در مطالبه‌گری، برخی به ناچار و بر خلاف میل‌شان از مطالبه‌گری در تمام عرصه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی اجتناب می‌کنند. سکوت اجباری و یا موقتی را در پیش می‌گیرند و نوعی گذار مبدئی بر نتیجه از مطالبه‌گری به سمت فقدان مطالبه‌گری رخ می‌دهد. در شرایطی که ذکر آن رفت افراد به دلایل مختلفی از مطالبات خود گذشت می‌کنند، در بستر خانواده اغلب به دلایل عاطفی و احساس تعلق و احترام به خانواده، از بیان مطالبات اجتناب می‌شود و یا در سطح جامعه گاهی بخاطر رضایت خداوند، مطالبه‌گری نمی‌شود و یا مطالبه‌گری می‌شود ولی همراه با آن گذشت‌های مختلف مادی و غیرمادی برجسته می‌شود. گذار از مطالبه‌گری به سمت فقدان مطالبه‌گری این چنین روایت شده است:

«بعضی وقتا فکر می‌کنم اون زمون شاید بیشتر مطالبه‌گری می‌کردم، شاید بخاطر اینه که وقتی بزرگتر میشی و از مطالبه‌گری‌ها نتایج‌ای نمی‌بینی و میبینی که نتیجه‌ای نداره، بی‌خیال‌تر میشی، کمتر صحبت میکنی و ترجیح میدی که ساکت تر باشی» (کارشناسی - منشی - مجرد - ۲۵ ساله)

تکاپو برای مطالبه‌گری

اما با وجود شرایطی که ذکر آن رفت و ارزش‌زدایی از مطالبه‌گری، برخی همچنان برای مطالبه‌گری تلاش می‌کنند، از زمان و زندگی خود می‌گذرند و مطالبه‌گری را به‌رغم هزینه‌های مادی و غیرمادی که دارد، ادامه می‌دهند. البته این به معنای این نیست که صرفاً مطالبه‌گری به صورت معترضانه انجام می‌شود، بلکه مطالبه‌گری مسالمت‌آمیز و قانونی نیز در بهترین حالت، صرف زمان و انرژی زیادی را می‌طلبد. برخی افراد به دلایلی چون احساس وظیفه، دغدغه و نظایر این‌ها از وقت و انرژی و زندگی شخصی خود می‌گذرند تا در جامعه، تغییرات مثبتی برای تحقق مطالبات اجتماعی حاصل شود. همان‌گونه که بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد یا احزاب مختلف برای تحقق مطالبات زنان با روش قانونی تلاش می‌کنند. اما برخی افراد بویژه نسل نوجوان و جوان به دلایلی چون عجز بودن، راحت‌طلبی، کیفیت تفکر منطقی، مصرف رسانه‌ای و نظایر این‌ها به‌رغم هزینه‌های مادی و غیرمادی مطالبه‌گری بویژه مطالبه‌گری معترضانه و هنجارشکنانه و حتی مخالفت والدین‌شان، در این نوع مطالبه‌گری‌ها نظیر اعتراضات و تجمعات شرکت می‌کنند. تکاپو برای مطالبه‌گری این چنین روایت شده است:

«بچه‌های الان نمی‌ترسند، به دخترم می‌گفتم مامان نرو؛ میرفت تو این اعتراضات وای می‌ستاد، هیچ کار نمی‌کرد، فقط می‌رفت؛ وای می‌ستاد؛ می‌گفتم نرو؛ می‌گرفت؛ می‌گفت بگیرن، اگه من بلند نشم ۴ تا دیگه بلند نشن، پس چه فایده» (راهنمایی - خیاط - متاهل - ۴۸ ساله)

پیامدها

ترس از وضعیت نامطالبه‌گرانه

با نظر به ارزش‌زدایی و تحریم ناخواسته مطالبه‌گری، نوعی بیگانگی ذهنی و عینی در شهروندان شکل گرفته است، به این معنا که در سطح ذهنی شهروندان هویت آرام، نجیب و غیرمطالبه‌گر را برای خود بر ساخت می‌کنند و حتی بی‌عرضه بودن

در مطالبه‌گری را به تمام عرصه‌ها تعمیم می‌دهند و کنش‌های مطالبه‌گرانه را از خود سلب می‌کنند. با اجتناب از مطالبه‌گری، به تدریج دیگران نیز چنین هویتی را بر ساخت و تثبیت می‌کنند. بنابراین در اینجا بیگانگی عینی و ذهنی از مطالبه‌گری، رابطه دیالکتیکی و رفت و برگشتی دارد. در واقع تحریم و خودداری از فعالیت‌های مطالبه‌گرانه به دلایل مختلف اعم از ترس، خجالت، توانمند نبودن و نظایر این‌ها به بر ساخت هویت غیر مطالبه‌گر می‌انجامد و بر ساخت هویت غیر مطالبه‌گر به تقویت بیگانگی عینی از مطالبه‌گری اعم از اجازه تضییع حقوق، انفعال و انزوای اجتماعی و سیاسی، و کاهش کنش‌های مطالبه‌گرانه می‌انجامد. همان‌طور که در شهر یزد در مقایسه با سایر شهرها بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های دموگرافیک مثل جمعیت استان و سایر شرایط، مطالبه‌گری بویژه مطالبه‌گری با تشکیل تجمعات و اعتراضات ضعیف‌تر توصیف می‌شود. بنابراین شکل‌گیری وضعیت نامطالبه‌گرانه در تمام سطوح از فردی تا کلان و در تمامی عرصه‌ها ترسناک است، چرا که کشور را مانند کره شمالی، خالی از افراد منتقد و مطالبه‌گر می‌سازد و امکان تغییر و پویایی را از جامعه سلب می‌کند. بر ساخت هویت غیر مطالبه‌گر این چنین روایت شده است:

«کم‌کم به جزئی از هویت تبدیل میشه، همه تو رو فردی آروم و مظلوم و نجیب و یا بی‌عرضه میشناسن که توانایی دفاع از خودش و خواسته‌هاش و نداره» (کارشناسی - دانشجو - مجرد - ۱۹ ساله)

تبعات روانی فقدان مطالبه‌گری

ناتوانی در مطالبه‌گری و یا تحریم مطالبه‌گری، تبعات روانی مختلفی اعم از احساس سرخوردگی، خودسرزنی، حسرت‌زدگی و ناکامی را به همراه داشته است. وقتی افراد قادر به دفاع از حقوق خود نیستند و یا مجبور به سکوت و انزوا شده و از مطالبه‌گری اجتناب می‌کنند، وجدان ناآرامی را تجربه می‌کنند، خود را سرزنش می‌کنند، بخاطر فقدان مطالبه‌گری احساس حسرت می‌کنند و در نهایت به خاطر فقدان تحقق مطالبات‌شان، احساس سرخوردگی و ناکامی مضاعفی را تجربه و بر ساخت می‌کنند. خودسرزنی بواسطه فقدان مطالبه‌گری این چنین روایت شده است:

«ولی مقصر خودمون هستیم که نرفتیم دنبال این کارو بگیریم، طبق قانون پیش بریم، شاید دیدی طبق قانون پیش رفته بودیم هیچ تا اینا نبود؛ می‌تونستیم حق خودمون رو بگیریم» (ابتدایی - خانه‌دار - متاهل - ۴۸ ساله)

کاهش تاب‌آوری اقتصادی

بواسطه فقدان مطالبه‌گری نمی‌توان شاهد تغییری در وضعیت نابه‌سامان اقتصادی بود، تا جایی که افراد در تامین نیازهای ضروری نیز ناتوان شده و نوعی بحران معیشت شکل می‌گیرد. فشارها و دغدغه‌های اقتصادی فراگیر، خستگی شهروندان بویژه طبقات پایین و متوسط جامعه را به دنبال دارد. در این شرایط، خستگی از گرانی، اختلاس و مفاسد اقتصادی به کاهش تاب‌آوری اقتصادی دامن زده است. کاهش تاب‌آوری اقتصادی این چنین روایت شده است: «الان میگن خط فقط زیر ۲۰ میلیون ما از زیر خط فقرم گذشتیم، دیگه نمیشه» (ابتدایی - خانه‌دار - متاهل - ۴۶ ساله)

رشد آسیب‌های اجتماعی فراگیر

فقدان مطالبه‌گری در سطح اجتماعی نیز آسیب‌هایی اعم از فراوانی کاربرد رانت در جامعه، فراوانی فساد ساختاری، نارضایتی اجتماعی پروبلماتیک، کاهش تاب‌آوری اجتماعی، مهاجرت ناخواسته، فروکاست مشارکت سیاسی ناشی از بی‌اعتمادی، نارضایتی والدین از بی‌مسئولیتی مقامات را به همراه دارد. ایران بواسطه منابع غنی موجود در آن، از کشورهای ثروتمند محسوب می‌شود ولی سوازی مردم این بوده است که چرا با وجود فروش منابع مختلف، تغییری در بهبود وضعیت جامعه بویژه شرایط اقتصادی ایجاد نمی‌شود. در پاسخ به این سوال و افشای فسادهای ساختاری و سوء مدیریت کشور، موجهی از بی‌اعتمادی سیاسی، ناامیدی از آینده، از بین رفتن شوق جوانان، نارضایتی اجتماعی هم در میان نسل جوان و هم

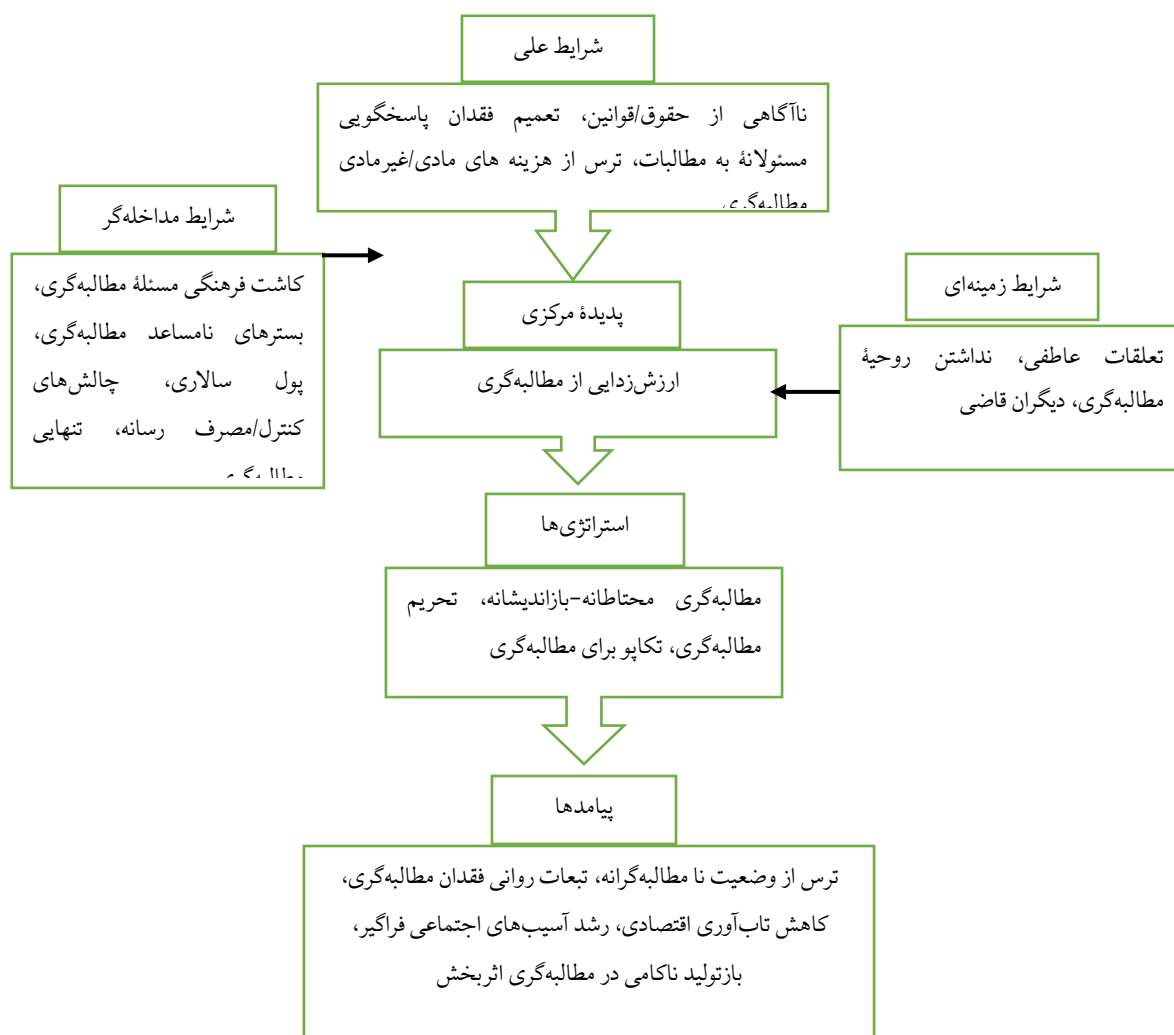
والدین آن‌ها، ایجاد و تشدید شده است. به گونه‌ای که می‌توان نوعی پرخاشگری منفعلانه را در سطح جامعه ردیابی کرد که افراد به جای مطالبه‌گری، به گونه‌ای منفعلانه خشم خود رو در قالب کلمات و به صورت غرزدن و گله‌مندی نشان می‌دهند. یکی دیگر از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی فقدان مطالبه‌گری، بازاندیشی در ماندن و آباد ساختن جامعه است که در سطح عینی به کاهش مشارکت اجتماعی- سیاسی و حتی مهاجرت بویژه مهاجرت نخبگان منجر می‌شود. کما اینکه چنین پیامدهایی به سوی ساختار سیاسی هدایت می‌شود و با شکل‌گیری بی‌اعتمادی سیاسی، از مشارکت سیاسی نیز کاسته می‌شود. بازاندیشی در ماندن و سازندگی این چنین روایت شده است:

«اینکه به شخصه خود من اگه شرایط مهاجرتی داشته باشم و بتونم دیگه نمیخوام تو این کشور بمونم شاید قبلا آدمی بودم که میگفتم بجنگیم حرف بزنین صحبت کنیم ما میخوایم کشورمون رو بدست بگیریم بسازیم، ولی الان نه» (کارشناسی- منشی- مجرد- ۲۵ ساله)

بازتولید ناکامی در مطالبه‌گری اثربخش

باوجود ارزش‌زادایی از مطالبه‌گری بواسطه فقدان پاسخگویی و در نتیجه بازاندیشی در شیوه‌های مطالبه‌گری هیجانی و استفاده از روش‌های محتاطانه و مسالمت‌آمیز و حتی قانونمند، معمولا پاسخگویی اثربخش و مورد انتظاری دریافت نمی‌شود. در این چرخه مجددا مطالبه‌گری در تحقق مطالبات ناموفق بوده است و این چنین ناکامی در مطالبه‌گری اثربخش بازتولید می‌شود. بویژه اینکه در این مسیر زمان‌بر تا روشن شدن نتیجه مطالبه‌گری، وقت و انرژی زیادی صرف می‌شود و از میزان توجه و رسیدگی به زندگی شخصی کاسته می‌شود که خود می‌تواند منجر به مشکلات خانوادگی شود. ناکامی در مطالبه‌گری این چنین بازتعریف شده است:

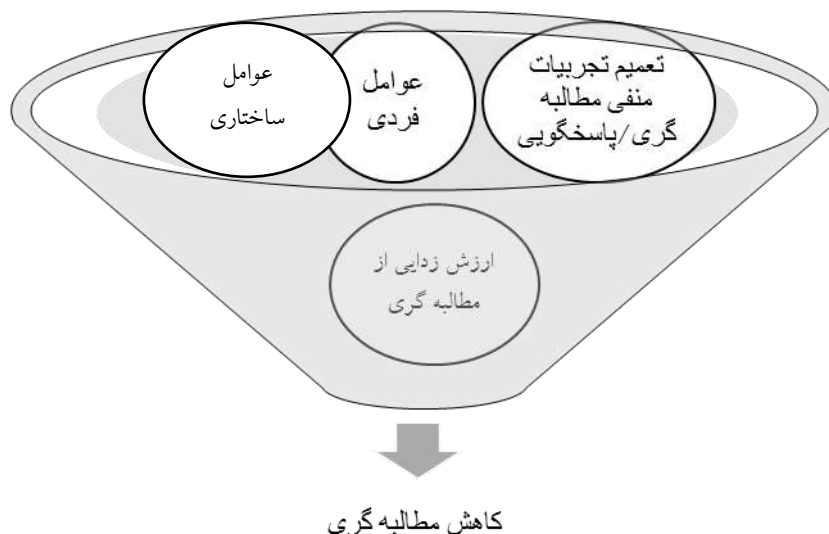
«ولی به مثال بخوام بگم اینترنت رو می‌خواستن قطع یا فیلتر کنن، امضا جمع می‌کردن و ما از طریق پیج مطلع شدیم و ما هم در کارزار مخالف با فیلتر اینستاگرام مشارکت کردیم ولی فایده‌ای نداشت و دولت کار خودشو کرد» (کارشناسی- مربی آموزشی- مجرد- ۲۵ ساله)



شکل شماره ۱: مدل پارادایمی تحقیق

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف شناخت شرایط تضعیف کننده مطالبه گری حقوق شهروندی در شهر یزد انجام شده است. شهر یزد به شهر قنات و قنوت و قناعت و همچنین حسینیة ایران شهرت دارد که حاکی از حضور پررنگ سنت و مذهب و روحیه قناعت اغلب شهروندان یزدی است. اما امروزه بواسطه مدرنیته و نفوذ رسانه های نوین، نسل نوجوان و جوان از سنت و مذهب فاصله گرفته و نوعی شکاف نسلی بین والدین و فرزندان ایجاد شده است. نسل نوجوان و جوان آگاهی بیشتری از حقوق شهروندی شان دارند. تا چندین سال قبل در شهر یزد برخی خانواده ها حتی نسبت به اشتغال و تحصیلات عالی دختران و زنان نیز جبهه گرفته و مانع از تحقق مطالباتی از این دست می شدند. در برخی خانواده های یزدی، خندیدن دختران و زنان ناپسند محسوب می شد و کم حرفی، نجیب بودن و منزوی بودن برای دختران و زنان پسندیده محسوب می شد. البته امروزه زنان و دختران توانسته اند با مقاومت در مقابل چنین ارزش هایی و مطالبه گری، از شدت محدودیت های سنتی و مذهبی جامعه و خانواده کاسته و از تضييع حقوق شهروندی شان جلوگیری کنند. بنابراین در این پژوهش داده ها با مصاحبه از ۱۳ زن با حداکثر تنوع انجام گرفت و داده ها طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شدند و نتایج در قالب مدل تجربی به صورت انتزاعی تری بر ساخت شد که در شکل شماره ۲ ارائه شده است.



شکل شماره ۲: نظریه جوهری تحقیق

براساس نتایج و در پاسخ به سوال اصلی پژوهش می‌توان شرایطی که منجر به ارزش‌زدایی از مطالبه‌گری و سپس تحریم و کاهش مطالبه‌گری از سوی شهروندان شده است را ذیل سه دسته طبقه‌بندی نمود.

۱. تجربیات منفی مطالبه‌گری/ پاسخگویی: بدین‌صورت که برخی شرایط اعم از تعمیم فقدان پاسخگویی مسئولانه به مطالبات و ترس از هزینه‌های مادی/غیرمادی مطالبه‌گری، تجربیات منفی مطالبه‌گری/ پاسخگویی را بر ساخت نموده است که اغلب به طور مستقیم و توسط خود افراد درگیر و یا به طور غیرمستقیم با شنیده‌ها و دیده‌ها حاصل شده است. فقدان پاسخگویی مسئولانه به مطالبات با بی‌اعتنایی دستگاه‌های اجرای به حقوق و نقض مطالبات در پژوهش شهریاری (۱۳۹۶) همسو بوده است.

۲. عوامل فردی: ناآگاهی از حقوق/قوانین، تعلقات عاطفی، نداشتن روحیه مطالبه‌گری، از مولفه‌هایی که تمایل به انجام کنش‌های مطالبه‌گرانه را در معرض تردید قرار می‌دهد و به ارزش‌زدایی از مطالبه‌گری کمک می‌نماید. نقش عنصر آگاهی با پژوهش‌های فرج‌الله و همکاران (۱۴۰۱)، زنگنه و همکاران (۱۳۹۷) و رمضان مقدم و جانی‌پر (۱۳۹۶) همسو بوده است.

۳. عوامل ساختاری: عوامل ساختاری در سطوح خرد و کلان اعم از کاشت فرهنگی مسئله مطالبه‌گری، بسترهای نامساعد مطالبه‌گری، پول سالاری، چالش‌های کنترل/مصرف رسانه، تنهایی مطالبه‌گری در تضعیف یا تشدید ارزش‌زدایی از مطالبه‌گری نقش قابل توجهی دارد. دیگران قاضی و دریافت قضاوت‌ها و سرزنش‌ها و تمسخر آن‌ها از عوامل اجتماعی محسوب می‌شود که اغلب با دلسرد و ناامید و ناراحت نمودن مطالبه‌گران، مسیر مطالبه‌گری را ناهموار می‌کند. البته با توجه به ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری اغلب مطالبه‌گران قضاوت دیگران قاضی را در اپوخه قرار می‌دهند و برای مطالبه‌گری از وقت و انرژی و زندگی خود می‌گذرند و برخی نیز از مطالبه‌گری ارزش‌زدایی نموده و از ادامه مطالبه‌گری باز می‌مانند. کاشت فرهنگی مسئله مطالبه‌گری ناظر بر عواملی مثل جامعه‌پذیری، سبک زندگی و تغییراتی است که در الگوهای فرزندپروری و سبک زندگی نسل امروز ایجاد شده است. بدین‌صورت که در گذشته الگوهای فرزندپروری به‌گونه پدرسالارانه و دیکتاتورمابانه بود که حق ابراز نظر را از فرزندان سلب می‌نمود و حتی ترس و محافظه‌کاری و فرمان‌پذیری نیز بواسطه والدین منتقل می‌شد. اما امروز سبک‌های فرزندپروری به سمت مشارکتی و حتی فرزندسالاری میل نموده است که بواسطه آن فرزندان از حق ابراز نظر و تصمیم‌گیری

برخورد دارند، روابط اجتماعی فرزندان امروز به واسطه نفوذ رسانه‌های نوین و الگوهای فرزندپروری گسترده‌تر شده است و آگاهی بیشتری از حقوق شهروندی و قوانین حاصل شده است. بنابراین یافته‌ها با نظریات جامعه‌پذیری و دگرگونی ارزشی اینگلهارت همسو به نظر می‌رسد. اما از سوی دیگر اغلب فرزندان امروز نسبت به گذشته راحت‌طلب‌تر شده‌اند و مانند والدین‌شان سحرخیز نیستند. لازم به ذکر است که در بافت سنتی-مذهبی شهر یزد، نیز الگوهای مروج سلطه‌پذیری برای دختران، زنان و حتی زنان بیوه به شدت اهمیت داشته است، البته امروزه از شدت آن کاهش یافته است. بنابراین چنین تغییراتی در سطح اجتماعی فرهنگی و سنت‌های حاکم با نتایج نشأت (۲۰۲۱) همسو به نظر می‌رسد.

بسترهای نامساعد مطالبه‌گری در عرصه‌های اجتماعی-فرهنگی، اخلاقی-رفتاری، سیاسی، هنجاری، و حتی ذهنی حاکی از آن است که به لحاظ فرهنگی، حقوق شهروندی به طور رسمی آموزش داده نمی‌شود و به لحاظ هنجاری نیز شرایط برای مطالبه‌گری مسالمت‌آمیز و پاسخگویی اثربخش فراهم نمی‌شود و اغلب با سیاسی کردن مطالبات و مطالبه‌گری، مطالبه‌گری سرکوب می‌شود. به لحاظ اخلاقی-رفتاری نیز محافظه‌کاری، ترس، و تش‌گریزی در بین شهروندان رواج دارد که ترجیحات غیرمطالبه‌گرانه را تقویت و از مطالبه‌گری ارزش‌زایی می‌کند. کماینکه به لحاظ اجتماعی نیز شرایطی چون فروکاست اعتماد اجتماعی، احساس ناامنی اجتماعی و تنهایی مطالبه‌گری به تشدید ارزش‌زایی از مطالبه‌گری دامن می‌زند. و به لحاظ ذهنی نیز بواسطه تفسیر موقعیت، شرایط برای مطالبه‌گری و تحقق مطالبات نامساعد تلقی می‌شود و بواسطه تعصبات و فقدان روحیه انتقادپذیری با مطالبه‌گری برخورد درستی انجام نمی‌شود. البته هویت اسلامی و دینی ایران و شهر یزد و از سوی دیگر گذار به سمت مدرنیته و افشای مفاسد اقتصادی، اخلاقی بویژه توسط مروجان دینی، اعتقادات دینی نسل جوان و حتی والدین آن‌ها را تهدید نموده است که در چنین شرایطی مطالبات ناهمسو با هویت اسلامی به رسمیت شناخته نمی‌شود. کاشت فرهنگی مسئله مطالبه‌گری و شرایط نامساعد فرهنگی با یافته‌های پژوهش میرحسینی و همکاران (۱۳۹۸) و محسنی (۱۳۸۹) مبنی بر تاثیر سرمایه اجتماعی و سبک زندگی بر مطالبات و فقدان آموزش حقوق شهروندی و فقدان نهادینه شدن حقوق شهروندی در لایه‌های متعدد اجتماعی همسو بوده است. بسترهای نامساعد مطالبه‌گری حاکی از تفسیر کنشگران از موقعیت بوده است و می‌توان گفت با نظریه تنهایی همسو به نظر می‌رسد، به این صورت که اغلب شهروندان شرایط را برای مطالبه‌گری نامطلوب و محکوم به شکست ارزیابی می‌کنند.

چالش‌های کنترل/مصرف رسانه ناظر بر پیامدهای مثبت و منفی نفوذ رسانه‌های نوین اعم از ظرفیت‌های آگاهی‌بخشی بویژه از نوع انتقادی، ظرفیت‌های افشاگری و تهدید امنیت ملی و شایعه‌پراکنی است که به همراه سیاست فیلترینگ می‌تواند کنش‌های مطالبه‌گرانه را تضعیف یا تشدید نماید. تعبیرات سبک زندگی با نفوذ رسانه‌های نوین در مسئله کاشت فرهنگی مسئله مطالبه‌گری و عضویت در شبکه‌های اجتماعی و نقش آن در مطالبات اجتماعی و مطالبه‌گری حقوق شهروندی با پژوهش‌های جلیل مطلق (۱۴۰۱)، یحیی‌زاده (۱۴۰۰) همسو بوده است. همچنین استفاده از سیاست فیلترینگ و ایجاد محدودیت در دسترسی آزاد و رایگان به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی همسو با پژوهش اویدمی (۲۰۱۵) می‌تواند مشارکت شهروندان را محدود نماید.

درنهایت پول‌سالاری در شرایط اقتضای بی‌ثبات، تورم و رکود، اغلب مانعی برای تفکر در باب مطالبات فرامادی چون آزادی بیان، امنیت، محیط زیست سالم و نظایر این‌ها محسوب می‌شود که در شرایطی که ذکر آن رفت متعاقبا از صرف زمان و انرژی جهت مطالبه‌گری ارزش‌زایی می‌شود.

لازم به ذکر است که کنشگران در مواجهه با شرایط دفع کنشگری مطالبه‌گرانه، اغلب از سه استراتژی مطالبه‌گری محتاطانه-بازاندیشانه، تحریم مطالبه‌گری و تکاپو برای مطالبه‌گری استفاده می‌کنند. بدین‌صورت که در مواجهه با موانع و هزینه‌های ناشی از مطالبه‌گری هیجانی، کنشگران اغلب در شیوه مطالبه‌گری هیجانی و پرریسک بازاندیشی کرده و پس از آن از شیوه‌های مطالبه‌گری محتاطانه و کم‌ریسک سود می‌جویند. اما گاهی از این فراتر رفته و برخلاف میل خود، از کنش‌های مطالبه‌گرانه حتی به صورت قانونی نیز اجتناب می‌کنند. اما برخی کنشگران بواسطه برخورداری از روحیه مطالبه‌گری حتی در شرایط نامساعد، از کنش‌های مطالبه‌گرانه ناامید نشده و همچنان برای مطالبه‌گری حقوق شهروندی از زمان، انرژی و زندگی خود می‌گذرند. با توجه به این‌که مطالبه‌گران و در این پژوهش مشارکت‌کنندگان زن یزدی در موقعیتی فرودست قرار گرفته و گاهی حتی مطالبات آن‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شود و یا توسط افراد یا نهادهای موظف به پاسخگویی، نادیده گرفته می‌شود؛ می‌توان گفت با نظریه هونت همسو بوده است. به‌ویژه این‌که در طول تاریخ تلاش‌های زنان برای کسب حقوق برابر و تحقق حقوق شهروندی قابل دریافت است. در سطح میانه مثل خانواده، زنان در گذشته موقعیتی فرودست‌تر از مردان داشتند و به‌عنوان جنس ضعیف از بسیاری حقوق محروم می‌شدند، البته زنان همان‌طور که هونت معتقد است به عنوان عاملیت مداخله‌گر و کنشگران فعال توانسته‌اند حقوق بیشتری را به دست آورده و در خانواده و حتی جامعه در مقابل سوژه‌ای که گفتمان قدرت درصدد هنجارمند کردن آن بوده است، مقاومت کرده و به شأن، حرمت اجتماعی و حقوق و امتیازات بیش‌تری دست یابند. در شهر یزد نیز با وجود بافت سنتی و مذهبی، اخیراً شاهد رواج نوعی نافرمانی مدنی زنان و حضور آنان با سبک پوشش مدرن و دلخواه هستیم که بعد از جنبش ملقب به «زن-زندگی-آزادی» تشدید شد. برخی مشارکت‌کنندگان بویژه نسل جوان حتی در اعتراضات اخیر شرکت داشتند، تا مطالباتی که به رسمیت شناخته نمی‌شد، را با قدرت بیشتری بیان کنند و همسو با نظریه هونت و نظریه فمینیستی لیبرالی، برخی زنان با تولید اندیشه‌های متعارض با هنجارهای سیاسی و مذهبی، خود و مطالبات‌شان را گاهی با نافرمانی مدنی نشان داده‌اند و این‌چنین سعی دارند مطالبات‌شان را به هیئت حاکم تحمیل نمایند. البته در این مسیر هزینه‌هایی نیز پرداخت کرده‌اند و بنابر دلایلی چون قوانین حاکم، مطالبات آن‌ها هم‌چنان به رسمیت شناخته نشده است. هزینه‌های مطالبه‌گری و یا ترس از آن، همان‌طور که پیش از این گفته شد، گاهی در ارزش‌زدایی و تضعیف مطالبه‌گری نقش داشته است و گاهی برخی زنان به‌رغم پیش‌بینی هزینه، برای مطالبه‌گری حقوق شهروندی‌شان تلاش کرده‌اند و یا از مسیرهای محتاطانه‌تری مطالبه‌گری کرده‌اند تا هزینه‌های کمتری را پرداخت کنند و یا همسو با پژوهش رحیمی سجاسی و همکاران (۱۳۹۹) گاهی با از خودگذشتگی یا خودخاموشی بویژه در محیط خانواده از بیان مطالبات‌شان خودداری کرده‌اند.

درنهایت ترس از وضعیت نامطالبه‌گرانه، تبعات روانی فقدان مطالبه‌گری، کاهش تاب‌آوری اقتصادی، رشد آسیب‌های اجتماعی فراگیر، و بازتولید ناکامی در مطالبه‌گری اثربخش از پیامدهایی است که بواسطه راهبردهایی که ذکر آن رفت، از سوی کنشگران تجربه می‌شود. بنابراین راهبردهایی چون تحریم مطالبه‌گری در عرصه‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی پیامدهای نامطلوبی چون برساخت هویت غیرمطالبه‌گر، خودسرزنشگری و وجدان ناراحت، رشد آسیب‌های اجتماعی فراگیر، کاهش تاب‌آوری اقتصادی را به همراه خواهد داشت. همچنین مطالبه‌گری محتاطانه-بازاندیشانه نیز به واسطه عدم موفقیت در تحقق مطالبات به بازتولید ناکامی در مطالبه‌گری اثربخش منتهی می‌شود. البته مطالبه‌گری محتاطانه-بازاندیشانه و یا تحریم مطالبه‌گری بویژه از نوع معترضان، احساس رضایت از وجود امنیت در کشور را برجسته می‌کند.

منابع

- امیری، سروش (۱۳۹۵). ریشه‌های ملی و بین‌المللی چالش‌های حقوق شهروندی در ایران». فصلنامه سیاست، ۳ (۱۰)، ۷۱-۹۱.
- بهرامی، ولی؛ نیازی، محسن و سهراب‌زاده، مهران (۱۳۹۸). بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: شهروندان استان لرستان). برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۱ (۳۸)، ۳۵-۷۴.
- بهشتی‌سرشت، محسن و پرویش، محسن (۱۳۹۴). بررسی مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در مطبوعات عصر قاجار (با تاکید بر نشریه‌نامه بانوان). زن در فرهنگ و هنر، ۷ (۳)، ۳۲۷-۳۴۱. doi: 10.22059/JWICA.2015.58298
- ترنر، جان‌تاتان اچ (۱۳۹۴). نظریه‌های نوین جامعه‌شناسی (ترجمه علی‌اصغر مقدس و مریم سروش)، تهران: جامعه‌شناسان.
- تنهایی، حسین (۱۳۹۷). «جایگاه گفتمان مطالبه‌گری در جامعه‌شناسی نظری و جامعه‌شناسی تفسیری»، سخنرانی در نشست مشترک گروه جامعه‌شناسی نظری و گروه جامعه‌شناسی تفسیری، انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۹ اسفند، <http://www.hatanhaei.ir/Blog/view/1101>.
- توانا، محمدعلی (۱۳۹۰). برابری جنسیتی در نظریه شهروندی متمایز آیریس ماریون یانگ. زن در توسعه و سیاست، ۹ (۴)، ۲۷-۴۲.
- توسلی، غلام‌عباس و نجاتی حسینی، سیدمحمود (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۵ (۲)، ۳۲-۶۲. doi: 20.1001.1.17351901.1383.5.2.2.1.۶۲-۳۲
- جلیل‌مطلق، یعقوب (۱۴۰۱). رابطه عضویت در شبکه‌های اجتماعی با مطالبه‌گری حقوق شهروندی (مورد مطالعه: شهروندان شهر یاسوج). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم اجتماعی، دانشگاه یزد.
- جنیدی، مریم و سنگی، لیلا (۱۳۹۷). موانع و چشم‌اندازهای مشارکت سوزن زنان در امر سیاسی ایران (نمونه مطالعاتی: دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی)، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، دوره ۹ (۳۵)، ۵۹-۸۴.
- جهانگیر، زهرا و کاوه پیشقدم، محمدکاظم (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی جایگاه حقوق شهروندی زنان در قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه زن و جامعه، ۱۰ (۳۸)، ۱۱۹-۱۴۸.
- حاضری، علی‌محمد و محمدی، نعیم (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی تنوع جنبش زنان در کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه، مطالعات اجتماعی ایران، ۶ (۲ و پیاپی ۱۸)، ۱-۲۴.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- داودی، مهدی و محمدی، محمد (۱۳۹۷). درآمدی بر حقوق شهروندی و شهروندی اجتماعی در ایران (با تاکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، ۱ (۳)، ۹۷-۱۲۴.
- رستگاری، سمیه؛ نواح، عبدالرضا؛ و حزباوی، عزیز (۱۳۹۸). پیامدهای جامعه‌شناختی سواد رسانه‌ای بر آگاهی از حقوق -شهروندی و دموکراسی‌خواهی. فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، ۵ (۱۸)، ۲۰۳-۲۲۸. doi: 10.22054/nms.2019.27012.350

- رحیمی سجاسی، مریم؛ کلانتری، عبدالحسین، و شاکری گلپایگانی، طوبی (۱۳۹۹). نقض حقوق زن در نقش همسری: مواجهه‌ی واقع‌گرایانه زنان با مسئله تضییع حقوق خود. پژوهش‌نامه زنان، ۳۳ (۱۱)، ۱۳۹-۱۱۱. doi: 10.30465/ws.2020.5507
- رمضان‌مقدم واجاری، یاسمن و جانی‌پور، مجتبی (۱۳۹۶). رابطه عوامل اجتماعی و آگاهی از قوانین با آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر رشت. مجله مطالعات جامعه‌شناسی، ۹ (۳۴)، ۴۹-۳۳.
- زنگنه، بعقوب؛ هنرمندی علمداری، نیلوفر و زنگنه، مهدی (۱۳۹۷). تحلیلی بر رابطه آگاهی از حقوق شهری بر شهروندی فعال (مطالعه موردی: مناطق ۱ و ۵ شهرداری مشهد). برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۲۲ (۴)، ۱۹۰-۱۶۵.
- سینافر، حبیب (۱۴۰۱). فمینیسم: (تاریخچه، امواج، گرایش‌ها و آثار مثبت و منفی جنبش‌ها)، دهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و علوم انسانی در ایران، دانشگاه تهران. ۶۴۶-۶۳۱.
- شهریاری، اکبر (۱۳۹۶). ابهامات و موانع قانونی حقوق شهروندی. فصلنامه علمی-حقوقی قانون‌یار، ۴ (۴)، ۱۳۰-۱۰۹.
- علیزاده، محمدعلی و باغداردلگشا، علی (۱۳۹۵). بررسی مطالبات اجتماعی زنان در جراید عصر مشروطه (با تأکید بر نامه‌نگاری‌های زنان در روزنامه‌های ایران نو. زن و جامعه، ۷ (۱ و پیاپی ۲۵)، ۲۱۸-۲۰۱.
- فرج‌الله، حدیثه؛ شاوردی، تهمینه؛ و جعفرزاده‌پور، فروزنده (۱۴۰۱). تحلیل جامعه‌شناختی مطالبه‌گری اجتماعی کارکنان شاغل در سازمان بهزیستی کشور با تأکید بر حقوق شهروندی. فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، ۵ (۴ و ۲۲)، ۴۶-۳۵.
- کریمی، محمدشریف؛ خانزادی، آزاد و چشم‌اغیل، مسعود (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین باروری، مشارکت نیروی کار زنان و رشد اقتصادی (مطالعه تطبیقی ایران و کشورهای عضو گروه ۷). مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۹ (۱)، ۱۷۱-۱۴۹.
- مبارکی، محمد؛ موسوی، سید محسن، و کشمیری، زهرا (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی احساس نابرابری جنسیتی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه: مادران و دختران شهر یزد). مطالعات اجتماعی ایران، ۱۳ (۴)، ۱۶۳-۱۳۸.
- محسنی، رضا علی (۱۳۸۹). ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی؛ راه‌کارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۳ (۱۰)، ۱۴۴-۱۱۷.
- محمدزاده، ناهید (۱۳۹۶). زنان و حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، ۳ (۱۰)، ۱۰۸-۷۴.
- میرحسینی، بیبا؛ آقاجانی مرسا، حسین و حبیب‌پور گتایی، کرم (۱۳۹۸). مطالبات اجتماعی زنان و رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با آنها (مورد مطالعه: زنان شهر قزوین). مطالعات زن و خانواده، ۷ (۱ و پیاپی ۱۳)، ۹۵-۷۳.
- معافی، مرضیه و احمدی افزادی، مسعود (۱۳۹۹). بررسی مواجهه فمینیسم و آگزیستانسیالیسم؛ اسطوره‌زدایی از تصویر زنان در کتاب مقدس و برسازی چهره نوین از زنان در جوامع مدرن غربی، ادیان و عرفان، ۵۳ (۲)، ۴۳۹-۴۲۱. doi: 10.22059/jrm.2021.312107.630121
- یحیی‌زاده، فاطمه (۱۴۰۰). بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در مطالبات اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم دبیرستان‌های شهر آمل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته علوم اجتماعی، دانشگاه پیام‌نور استان مازندران.
- Fleming, Ted and Finnegan, Fergal (2008). Honneth and Recognition as Sensitizing Concept for Narrative Analysis: An Irish Suggestion, Social Thought, 1 (2): 40-55.

- Honneth, Axel (2001). Recognition or Redistribution? Changing Respective on the Moral Order Society, Theory, Culture and Society Journal, 8 (2- 3): 43-55.
- Lo, B. C. Y., Ng, T. K., & So, Y. (2021). Parental demandingness predicts adolescents' rumination and depressive symptoms in a one-year longitudinal study. Research on Child and Adolescent Psychopathology, 49(1), 117-123.
- Madzwamuse, M., Rihoy, E., & Louis, M. (2020). Contested conservation: Implications for rights, democratization, and citizenship in Southern Africa. Development, 63(1), 67-73.
- Marphy, Mark (2011). On Recognition and Respect: Honneth InterSubjectivity and Education, Educational Futures Journal, 2 (2).
- Nashat, G. (2021). Women in pre-revolutionary Iran: A historical overview. In Women and revolution in Iran (pp. 5-35). Routledge.
- Oyedemi, T. (2015). Participation, citizenship and internet use among South African youth. Telematics and Informatics, 32(1), 11-22.